خلق

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۲۸ فروردین ماه ۱۳۷۰ برابر ۱۷ آوریل ۱۹۹۱ دوره سوم شماره ۲

جشن بیستمین سالگرد جنبش فدائیان در آلمان

جشن بیست سالگی جنبش فدائیان با شکوه تمام و با حضور جمع کثیری از ایرانیان برگزار شد..

در صفحه ۷

طرح امریکا برای کنفرانس منطقه‌ای

هفته گذشته جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا در ادامه سفرش به منطقه خاورمیانه، از اسرائیل و سوریه دیداری به‌عمل آورد و با مقامات این کشورها در مورد مسئله اعراب واسرائیل به مذاکره پرداخت. روز سه‌شنبه در پایان گفتگوهای بیکر با شامیر نخست‌وزیر اسرائیل اعلام شد ایالات متحده واسرائیل در اساس پیرامون برگزاری یک کنفرانس منطقه‌ای برای مذاکره جهت دستیابی به صلح در خاورمیانه به توافق رسیده‌اند. داوید له‌وی وزیرخارجه اسرائیل پس از دیداری با بیکر گفت در این کنفرانس منطقه‌ای که تحت

◀ بقیه در صفحه آخر

پیرامون طرح "منطقه امن برای کردهای عراق"

در نیمه اول هفته گذشته پیشنهاد انگلستان مبنی بر تعیین یک منطقه امنیتی برای کردها در شمال عراق، به مهمترین موضوع در چارچوب بحث حول مسئله کرد بدل شد. این پیشنهاد ابتدا از جانب ترکیه مطرح شد، پس از آن انگلیس پرچمدار آن شد و آن را به طرح بازار مشترک اروپا تبدیل ساخت. آمریکا ابتدا نسبت به این طرح موضعی منفی گرفت، پس از آن طرح را قابل فکر خواند و بالاخره در روزهای اخیر آن را مثبت توصیف کرد.

پیشنهاد تورگوت اوزال رئیس جمهور ترکیه برای تخصیص منطقه در خود عراق برای استقرار پناهندگان کرد تمهیدی بود برای جلوگیری از ورود کردهای آواره به ترکیه. ظاهرا ترکیه بدون بررسی همه جانبه، چنین طرحی را اعلام داشته بود. پس از این که دولت آنکارا پی برد این طرح ممکن است زمینه‌ای را برای تجدید قوای نیروهای کرد فراهم آورد، و خطری برای رژیم ضدکردی ترکیه باشد، از پی‌گیری آن دست برداشت. انگلستان به طرح ترکیه تبیین مشخصی داد: در شمال عراق باید منطقه‌ای در نظر گرفته شود که تحت کنترل سازمان ملل متحد باشد و ارتش عراق اجازه نیابد بدان وارد شده و به سرکوب کردها بپردازد. به نظر برخی از ناظران سیاسی ارائه چنین طرحی از سوی جان میجر نخست وزیر انگلیس دارای نوعی مصرف داخلی بود. در حزب محافظه‌کار انگلیس جناح نیرومندی وجود دارد که با کنار رفتن تاچر و روی کار آمدن میجر مخالف بوده‌اند. اینان به میجر انتقاد می‌کنند که به هنگام رای داده و انگلستان نتوانسته است در جریان جنگ خلیج جای پای خود را در منطقه محکم کند. آنها معتقدند که اگر تاچر بر سرکار بود تحت عنوان جلوگیری از سرکوب کردها در عراق در این کشور دست به دخالت فعالانه‌تری میزد. طرح میجر با استقبال فرانسه که مدتهاست می‌کوشد خود را مدافع حقوقی خلق کرد نشان دهد، مواجه شد. به دنبال آن دیگر کشورهای عضو بازار مشترک اروپا بر روی این طرح توافق کرده و هیاتی را به واشنگتن فرستادند تا با آمریکا نیز در این زمینه به توافق برسند و در نهایت طرح را در شورای امنیت سازمان

◀ بقیه در صفحه ۲

خلق کرد: گرسنگی، ستم، مرگ، چه از این سو و چه در آن سو

کمک های بین المللی آنگونه که تاکنون جریان داشته، پاسخگویی نیازهای ابتدایی آوارگان نیز نیست

رژیم عراق به کشتار خلق کرد ادامه می‌دهد. در روز پنج‌شنبه هفته گذشته (۱۱ آوریل) احزاب کردی در عراق اعلام کردند که هواپیماها و هلی‌کوپترهای جنگی ارتش عراق هم‌چنان بمب بر سر آوارگان کرد می‌ریزند واین درحالی است که آمریکا مجددا به عراق اخطار کرده است که مجاز نیست جنگنده‌های خود را به پرواز درآورد.

ترکیه مرزهای خود را به روی کردها بسته است. هرکس بخواهد از مرز بگذرد با شلیک سربازان ترک مواجه می‌شود. ارتفاعات مشرف به ترکیه به پناهگاه صدها هزار کرد آواره تبدیل شده است. آوارگان دسته دسته از گرسنگی، تشنگی، بیماری‌های مختلف وجراحتهای ناشی از بمباران ارتش عراق جان می‌سپارند. ۶۰ درصد آوارگان کودک ونوجوانند. بنابر گزارش پزشکان تا چندروز دیگر هزاران تن از کودکان براثر ابتلا به اسهال، بیماری‌های ریوی و گرسنگی جان خواهند باخت. ابتلا به بیماری‌های وبا و تیفوس به سرعت درحال افزایش است. بارش برف و سرمای شدید بردرد و رنج آوارگان افزوده‌است. آوارگان نه سرپناهی دارند و نه بالاپوشی. گویا زمین و زمان همدستی کرده‌اند تا ریشه خلقی را بسوزانند. چه در نواحی مرزی و دراین سوی مرزهای ایران و ترکیه وچه در آن سو گرسنگی و ستم وسرکوب خنجر بر قلب خلقی نهاده است که حق حیات می‌خواهد.

کمک های بین المللی، آنگونه که تاکنون جریان داشته است، حتی برطرف‌کننده یک صدم احتیاجات اولیه آوارگان کرد نیست. کمکها اندکند و دیر به دست آوارگان می‌رسند. در ترکیه بنابر گزارش‌های متعدد کمکهای بین المللی برای آوارگان کرد سراز انبارهای ارتش ترکیه درمی‌آورند. بسیار دیده شده است که ارتشیان ترک این کمکها را به قیمت گزاف به آوارگان می‌فروشند. در ایران، وضعیت از ترکیه بهتر نیست. به ایران کمکهای بین المللی کمتر می‌رسد، اما نکته شادی‌آور یاری مردم است. مردم به‌ویژه در نواحی استقرار آوارگان از هیچ کمکی به‌آوارگان دریغ نمی‌ورزند.

در هفته گذشته مقاومت پیشمرگان کرد علیه ارتش صدام هم‌چنان ادامه داشته است. درگیری در اطراف شهر اربیل

◀ بقیه در صفحه ۲

مرز عراق و ترکیه: ازدحام آوارگان برای دریافت تکه‌ای نان

مجاهدین خلق سکوت و جنجال

در صفحه ۳

سرکوب شیعیان در عراق ادامه دارد

بصره به شهر بیماری و گرسنگی و مرگ تبدیل شده است. مردم دسته دسته می‌میرند. کودکان همه بیمار و گرسنه‌اند. بیمارستان های شهر که همه نیمه ویرانند فاقد ساده‌ترین امکانات برای معالجه بیماراند. شهر در اشغال سربازان است. مقاومت مردم در هم شکسته شده، اما هنوز در خارج از شهر مقاومت های پراکنده ادامه دارد. دیگر شهرهای شیعه نشین وضعیت چندان بهتری ندارند. ارتش عراق کنترل مرگباری را در همه این شهرها اعمال کرده است. هرکس مظنون به مخالفت با رژیم باشد، دستگیر شده و یا در جا در خیابان تیرباران می‌شود. گفته می‌شود که ۷۰۰۰۰۰ شیعه عراقی به ایران گریخته‌اند.

پیرامون بازگشت پناهندگان به کشور مسئله چیست

در صفحه ۵

قانون انتخابات عرصه تازه‌ستیز دولتمردان جمهوری اسلامی

با تصویب کلیات طرح اصلاحیه قانون انتخابات در مجلس در اسفند ماه، درگیری جناحهای حکومتی رژیم جمهوری اسلامی شدت بیشتری گرفته است. این طرح توسط جناح تندرو مجلس تنظیم شده است. این جناح در تنظیم طرح مزبور کوشیده است قانون انتخابات را بگونه‌ای اصلاح کند که نقش و نفوذ شورای نگهبان در انتخابات مجلس به حداقل برسد. مطابق مفاد طرح، نقش شورای نگهبان در انتخابات تنها ناظر بر صحت اجرای انتخابات در روز رای‌گیری است. درحالیکه پیش از این شورای نگهبان تمامی مراحل انتخابات را از تعیین صلاحیت کاندیداها تا قطعیت یافتن نمایندگی زیرنظر داشت. شورای نگهبان با بهره‌گیری از این امتیاز ویژه همواره کوشش داشت برای ورود کاندیداهای مخالف جناح خود به مجلس، مانع ایجاد کند. جناح تندرو که اکنون اکثریت مجلس را در اختیار دارد و در موقعیت مخالف ائتلاف حاکم حکومتی عمل می‌کند، پیشاپیش اطمینان دارد که در انتخابات بعدی (سال ۱۳۷۱) از جانب شورای نگهبان با دشواری‌های زیادی روبرو خواهد شد.

بدنبال تصویب کلیات طرح، مجادله جناحین از مجلس فراتر رفته و دیگر کانونها نیز در برگرفت. موحدی کرمانی نماینده تهران در نمازجمعه ۱۷ اسفندماه، با خشم این طرح را رد کرد و آنرا غیرقانونی شمرد. او گفت نمایندگانی که به‌این طرح رای موافق داده‌اند، خلاف نظر موکلین خود عمل کرده‌اند از اینرو آرایشان بی‌اعتبار است. آذری‌قمی چهره سرشناس جناح رسالت در نمازجمعه ۹ فروردین ماه از این هم فراتر رفت و نه فقط این طرح که کل مجلس را مورد حمله قرار داد و موضوع انحلال آنرا مطرح ساخت.

لبه تیز حمله سخنگویان ائتلاف حکومتی این بار متوجه مهدی کروبی رئیس مجلس است که تا پیش از این کوشش می‌شد از حمله شدید علنی به او به‌مثابه

◀ بقیه در صفحه ۲

حضور مجدد زائران ایرانی در مراسم حج

به دنبال وقفه چند ساله حضور زائران ایرانی در مراسم حج، در سال جاری اعزام مجدد زائران از سر گرفته خواهد شد. آخرین بار که ایرانیان در مراسم حج شرکت داشتند، سال ۶۶ بود. آن سال بدنبال درگیری پلیس سعودی با دسته‌ای از زائران ایرانی که تحت عنوان "برائت از مشرکین" تظاهراتی با شعارهای ضد آمریکائی و ضد شوروی و ضد اسرائیلی برپا کرده بودند، بیش از ۴۰۰ تن کشته شدند. بدنبال این فاجعه رابطه سیاسی ایران و عربستان سعودی گسسته شد. مقامات ریاض پذیرش مجدد زائران ایرانی را مشروط به اجتناب آنها از برپائی تظاهرات و نیز کاستن از شمار ایرانیان شرکت کننده در مراسم حج کردند. آن زمان دولتمردان جمهوری اسلامی این شروط را به شدت رد کردند.

اما اکنون پس از نزدیک به چهار سال قطع روابط سیاسی، دولت ایران به شروط عربستان سعودی گردن نهاده است. از این رو معاون سازمان حج واوقاف اعلام داشت: آمار زائرانی که امسال به حج اعزام می‌شوند، در مقایسه با سال ۶۶ از حدود یک سوم کاهش برخوردار است و ما مجبور شده‌ایم از همه واجدها کم کنیم. (اطلاعات- ۱۱ فروردین) تعداد زائرین امسال حدود ۱۱۰ هزار تن خواهد بود. روز دوشنبه گذشته خامنه‌ای طی حکمی سیداحمد خمینی را به

◀ بقیه در صفحه ۲

www.iran-archive.com

رفسنجانی ساکت است

پس از تصویب کلیات طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، تهاجم تبلیغاتی گسترده‌ای علیه جریانات تندرو به راه افتاد. رسالت، بازار و قشری‌ترین محافل روحانیت کارگردان‌های اصلی این کارزار تبلیغاتی‌اند و حملات عمدتا متوجه دو اصلاحیه است که در طرح مذکور پیشنهاد شده است.

اصلاحیه نخست حق نظارت شورای نگهبان بر انتخابات را به ''نظارت بر برگزاری انتخابات'' محدود میکند و اصلاحیه دوم خواستار آن است که در شرایط انتخاب شوندگان، ''التزام عملی به اسلام'' به ''اعتقاد به اسلام'' تبدیل شود.

در انگیزه تندروها بحثی نیست. آنها ضرب شصت شورای نگهبان را در جریان انتخابات مجلس خبرگان چشیده‌اند و چون یقین دارند که بازی خبرگان، در انتخابات مجلس چهارم تکرار خواهد شد و ائتلاف مسلط از طریق فیلتر شورای نگهبان راه ورودشان به مجلس را سد خواهد کرد، به فکر این اصلاحات افتاده‌اند تا شاید بتوانند، به اتکای اکثریتی که در مجلس دارند، حربه شورای نگهبان را که در اختیار حریف است بی‌اثر سازند.

اما جدای از انگیزه پیشنهاد دهندگان، اگر این اصلاحات صورت قانونی بیابد، اولا- دست شورای نگهبان را که کانون اصلی قدرت قشری‌ترین بخش روحانیت است- تا حدودی می‌بندد و آن را ملزم می‌سازد که تنها بر برگزاری انتخاب نظارت کند و نه بر روند انتخابات (که مرحله تعیین صلاحیت کاندیداها را هم در بر می‌گیرد) ثانیا- با جایگزینی ''التزام عملی به اسلام'' با ''اعتقاد به اسلام'' و تبدیل موارد نظیر ''اشتهار به فساد'' به اموری حقوقی که تنها در صورت اثبات در محاکمه قضائی، قابل استفاده است، دامنه شمول انتخابات را گسترش می‌دهد و از امکانات شورای نگهبان، وزارت کشور و جز ارگان نظارت کننده دیگری که تعیین گردد، برای حذف خودسرانه کاندیداها خواهد کاست.

خصلت دوگانه اصلاحات پیشنهادی، رفسنجانی را در بن بست قرار داده است. او نمی‌تواند به مخالفت آشکار با آن برخیزد، چرا که آنچه را برای چهره نمائی به عنوان ''امیرکبیر'' به زحمت رشته است، پنبه خواهد کرد. در عین حال او قادر به دفاع از این اصلاحات نیست. زیرا تحقق آنها، موانع جدی در مقابل سیاست ''خنثی کردن تندروها'' که از عناصر مرکزی خط‌مشی عمومی اوست، ایجاد می‌کند.

رفسنجانی حداقل در تعادل قوای فعلی- ترجیح می‌دهد که انتخابات با قانون سابق برگزار شود و تندروها از آخرین سنگر مهمی که هنوز در تصرف دارند، پس رانده شوند. وی امیدوار است که محافل تکنوکرات و بوروکراتی که به او چشم امید دارند، موقعیتش را درک کنند و انتظار پشتیبانی از اصلاحاتی را نداشته باشند که تندروها مبتکر و بهره‌بردار اصلی آنند.

اگر آتش‌بازی سنگین جناح راست افراطی که با شعار، ''واشریعتا'' جریان دارد، به نتیجه مطلوب نرسد و جزئیات طرح مذکور نیز از تصویب مجلس بگذرد، آنگاه یکبار دیگر و این بار بر سر مسئله‌ای که برای طرفین اهمیت حیاتی دارد- مجلس و شورای نگهبان به سختی رو در رو خواهند شد و در صورتی که مسئله به مجمع تشخیص مصلحت احاله شود، ادامه سکوت برای رفسنجانی بازهم دشوارتر خواهد شد.

تجربه خبرگان اگر برای خامنه‌ای چندان خوشایند نبود، برای رفسنجانی ثمرات خوبی داشت. آیا او نخواهد کوشید تا یکبار دیگر آن تجربه را تکرار کند و با پیش انداختن خامنه‌ای و دزدیدن سر خود، این بار هم از جیب ولی فقیه به سود ریاست جمهوری، فرج کند؟ و آیا تجربه خبرگان برای خامنه‌ای این اندازه آموزنده بوده است که اجازه جیب بری مجدد را به رفسنجانی ندهد؟

اگر رفسنجانی موفق شود که این بار هم خامنه‌ای را به پرچمدار مقابله با تندروها بدل کند و مخالفت با اصلاحات را هم به حساب او واریز نماید، عملا خامنه‌ای را از ''رهبر نظام'' به یکی از طرفین دعوا تنزل می‌دهد و عملا در جهت تحقق آرزوی خود مبتنی بر انتقال وظیفه ''حرکت ماوراء درگیری‌ها'' که در ساختار نظام عرفا در انحصار ولی فقیه تعریف شده است، از بیت خامنه‌ای به کاخ ریاست جمهوری پیش می‌رود.

این واقعیت که در دور جدید جنگ قدرت، پای ''اسلام'' مستقیما به میان کشیده شده، خامنه‌ای را به مثابه ''ولی فقیه'' و ''پاسدار کیان اسلام'' بیش از پیش در تنگنا قرار می‌دهد و او را ناگزیر می‌کند که دیر یا زود موضعش را روشن کند و این همان چیزی است که به رفسنجانی امکان می‌دهد تا در مراحل نهائی نیز، با آرامش خاطر به سکوت ادامه دهد.

◀ بقیه از صفحه اول

حضور مجدد زائران ایرانی در مراسم حج

نمایندگی در امور حج منصوب گردو مهدی کروبی را که سابقا در این امر بود از کار برکنار کرد.

در اعتراض به موافقت رژیم جمهوری اسلامی با شروط دولت عربستان سعودی مبنی بر اجتناب از برپائی تظاهرات، قمی نماینده مجلس اسلامی طی سخنانی در مجلس اظهار داشت: مراسم راهپیمائی برائت از مشرکین به همان شکوه و کیفیت سابق امری نیست که مذاکره و گفتگو بپذیرد.

سفارت ایران در ریاض روز ۱۲ فروردین ماه بازگشائی گردید.

در صورت درخواست سازمان ملل هواپیماها را پس می‌دهیم

ولایتی:

هفته گذشته علی‌اکبر ولایتی در مصاحبه با شبکه تلویزیونی B • B • C انگلستان گفت: ایران تنها وقتی هواپیماهای عراقی را به آن کشور باز می‌گرداند که سازمان ملل متحد چنین درخواستی را از ایران به عمل آورد. او گفت رقم ۱۰۰ و یا ۱۵۰ هواپیمایی که از سوی منابع غربی اعلام شده نادرست است و تنها ۲۲ هواپیما در طول جنگ به ایران فرار کرده‌اند. ولایتی گفت: به عقیده ما این هواپیماها متعلق به عراق است و اگر البته سازمان ملل از ما بخواهد ما آنها را به عراق باز می‌گردانیم.

پاسداران در لبنان باقی می مانند

بیروت، ۱۲ آوریل، خبرگزاری آسوشیتدپرس: فرمانده پاسداران ایرانی مستقر در شرق لبنان اعلام کرد که نیروهای وی در لبنان باقی خواهند ماند. حکومت لبنان تصمیم گرفته است که همه گروه‌های مسلح را، چه داخلی و چه خارجی، تا پایان ماه آوریل برچیند و در کشور آرامش برقرار کند. پاسداران ایرانی که ۲۰۰۰ نفرند، در دره بقاع که زیر کنترل سوریه است، مستقرند. اینان در سال ۱۹۸۲ پس از این که ارتش اسرائیل وارد خاک لبنان شد، از جانب ارتش سوریه، به عنوان نیروی کمکی پذیرفته شدند.

در روز چهارشنبه (۱۰ آوریل) روزنامه لبنانی السفیر از قول فرمانده پاسداران، رضا عسکری نوشت که پاسداران وی مهمانان مردم لبنانند و تا هنگامی که اسرائیلی‌ها در خاک لبنان در ناحیه مرسوم به ''منطقه امنیتی'' مستقرند، آنها نیز در لبنان باقی می‌مانند.

◀ بقیه از صفحه اول

خلق کرد؛ گرسنگی، ستم،

همچنان شدید است. پیشمرگان از شکل گروههای بزرگ به شکل دسته‌های پارتیزانی کوچک تجدید سازمان یافته و به مبارزه مسلحانه علیه ارتش سرکوبگر عراق ادامه می‌دهند.

◀ بقیه از صفحه اول

پیرامون طرح "منطقه امن برای کردهای عراق"

ملل به بحث گذاشته و زیر چتر این سازمان زمینه اجرای آن را فراهم آورند. آمریکا ظاهرا با روندی که بازار مشترک برای اجرای طرح در نظر گرفته موافق نیست و بیشتر بدان گرایش دارد که عراق را از اقدام نظامی در شمال مدار ۳۶ درجه که بخشی از کردستان عراق را در بر می‌گیرد باز دارد،

دولت بغداد شدیدا با طرح منطقه امنیتی برای کردها مخالفت کرده و آن را دخالت در امور داخلی عراق توصیف کرده است. موضع جمهوری اسلامی نسبت به این طرح عمدتا گرایش به رد آن است. علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه رژیم در یک مصاحبه تلویزیونی با بی‌بی‌سی در روز ۲۶ فروردین در این مورد گفت: ''ما معتقدیم که عراق به عنوان یک کشور مستقل باید پابرجا بماند. در عین حال باید محیطی امن برای پناهندگان کرد عراق در شمال و مکانی امن برای شیعیان عراق در جنوب این کشور به وجود آورد و چنانچه این گونه راه حلها از سوی سازمان ملل ارایه شود، می‌تواند بیشتر مورد توجه و بررسی قرار گیرد.'' به گزارش رادیو آمریکا نماینده انگلستان با کمال خرازی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد ملاقات کرده و کوشیده است به وی بقبولاند که ''طرح منطقه امنیتی'' به معنی ایجاد یک کردستان خودمختار در عراق نیست، این طرح اهداف سیاسی در پی ندارد و فقط یک ایده انساندوستانه است! در روز پنج‌شنبه ۲۲ فروردین حسین موسویان سفیر جمهوری اسلامی در آلمان اعلام کرد جمهوری اسلامی با چنین اقدامی که ''برای یک اقلیت یا یک طبقه از مردم عراق'' صورت می‌گیرد، مخالف است. وی گفت ''این امر می‌تواند به تجزیه عراق منجر شود.''

احزاب کردی در عراق از طرح منطقه امنیتی استقبال کرده‌اند و خواهان آنند که این طرح در شورای امنیت سازمان ملل مطرح شده و به تصویب برسد. آنها به درستی اضافه می‌کنند که منطقه امنیتی باید شامل کل منطقه کردنشین عراق شود. اگر قرار باشد منطقه زیر کنترل آمریکایی‌ها و ترکها و احیانا انگلیس و فرانسه باشد، فرصت مغتنمی برای صدام حسین پدید خواهد آمد تا سیاست ویران ساختن روستاهای کردنشین خارج از این منطقه را با خیال راحت پیش برد و شعرهای کردی را کاملا عربی کند. استقبال کردها از نفس ایجاد منطقه امن در کردستان عراق درست است. اما روشن است که در چنین منطقه تحت کنترلی، احزاب کردی قادر به ایفای نقش رهبری کننده خود نخواهند بود. آنها مطلقا نباید دچار این توهم شوند که چنین منطقه‌ای عملا مترادف با وجود یک کردستان خودمختار خواهد بود. آمریکا، انگلیس، فرانسه و ترکیه اگر به پای ایجاد منطقه امنیتی بروند با تمام قوا سعی خواهند کرد که بدان آن چنان حالتی بدهند که کردها خود نتوانند اداره آن را به دست گیرند. آنها در بهترین حالت، منطقه‌ای را برای استقرار اردوگاههای آوارگان کرد درنظر می‌گیرند، دور آن حصار می‌کشند و بدین ترتیب زیر عنوان انساندوستی جنبش آنها را مهار میکنند. خلق کرد حق حیات می‌خواهد. حق حیات برای یک خلق در درجه نخست یعنی حق زندگی در سرزمین آباو اجدادی. کل منطقه کردستان عراق باید به‌عنوان منطقه امن برای کردهای عراق از سوی مراجع بین‌المللی به رسمیت شناخته شود. این منطقه باید صریحا منطقه خودمختار کرد نام گیرد و اداره آن به‌خود کردها سپرده شود. آمریکا مخالف خودمختاری کردهاست. واشنگتن که اکنون با تمام قوا در حال جوش دادن معامله‌ای بین اسرائیل و رژیم‌های عرب است و می‌خواهد ضمن حفظ اتحاد استراتژیک خویش با اسرائیل، رژیمهای عرب را نیز تحت قیمومت خویش درآورد، خودمختاری کردها را انگیزه‌ای برای رنجیدگی رژیمهای عرب از خود می‌داند. وبعلاوه می‌ترسد از این طریق خاطر ترکیه را نیز مشوش سازد. آمریکا در هفته‌های اخیر بارها اعلام کرده است که خواهان از هم پاشیدن دولت مرکزی در عراق نیست و خلائی را که براثر تجزیه قدرت در عراق پدید می‌آید، با منافع استراتژیک خویش در منطقه همخوان نمی‌بیند. براساس همه این فاکتورها باید به‌نقشه آمریکایی‌ها برای کردستان با بدبینی کامل نگریست. نیروهای کرد، به‌بهای قربانی‌های بسیار، این موفقیت را یافته‌اند که مساله کرد را به‌مساله‌ای بین‌المللی تبدیل سازند. باید از این فرصت هوشیارانه بهره گرفته شده و به‌هیچ‌رو به طرحهایی که غریمتگاه آنها، نه دفاع از خلق کرد بلکه مطامع سیاسی قدرتهای بزرگ است، گردن نهاده نشود.

یک دختر بچه کرد. شاید تاکنون گرسنگی و بیماری او را از پادرآورده باشد.

◀ بقیه از صفحه اول

قانون انتخابات عرصه تازه ستیز دولتمردان جمهوری اسلامی

آذری قمی: مجلس را منحل کنید!

احمدی، نماینده مجلس:

آذری قمی را اعدام کنید!

رئیس قوه مقننه اجتناب شود. مریم بهروزی نماینده تهران در مجلس گفت کروبی نه رئیس مجلس که تنها رئیس یک جناح است. پیش از این نیز جامعه مدرسین قم طی نامه‌ای به کروبی کارکرد وی را به‌شدت تقبیح کرده بود. علاوه بر این اعلامیه‌ها و جزوات فراوانی نیز در رد و نفی نمایندگان و رئیس مجلس پخش شده است. ازجمله آنها اعلامیه گروهی از بازاریان تهران است که مضمونش به گفته موسوی‌لاری نماینده مجلس و عضو جناح تندرو ''فحش‌نامه علیه رئیس‌مجلس'' بوده است.

تعرض تند مدافعین شورای نگهبان علیه اکثریت مجلس نتوانسته است آنان را به عقب‌نشینی وادارد. آنها با بهره‌گیری از تریبون مجلس و مجالس سخنرانی ماه رمضان و نیز با استفاده از نفوذ حضور خود در مطبوعات به‌حمله متقابل پرداخته‌اند. ازجمله آنها موسوی‌لاری بود که طی یک سخنرانی جنجالی، آشکار و بی‌پرده اعلام داشت انگیزه تنظیم طرح، محدود کردن شورای نگهبان بوده است. باشدت یافتن درگیری، اکنون کار به آنجا رسیده است که حتی یکی از نمایندگان مجلس (احمدی از الیگودرز) افرادی مثل آذری قمی را تفرقه‌افکن نامیده و درخواست کرده ''حکم اعدام چنین تفرقه‌افکنانی'' صادر شود.

جناح تندرو با وجود اینکه با تمدید انحلال مجلس موا‌جه است، هنوز چیزی از آشتی‌جوئی با جناح حاکم نشان نداده است و ظاهرا قصد تصویب نهائی طرح اصلاح قانون انتخابات را دارد و آنرا برای بقای خود حیاتی میداند. این طرح در صورت تصویب بیگمان با وتوی شورای نگهبان روبرو خواهد شد و نهایتا کار به مجمع تشخیص مصلحت نظام کشیده خواهد شد. در ستیز میان جناحهای حکومتی روزهای دافتری در پیش است.

www.iran-archive.com

یک وظیفه انسانی!

هم‌وطن!

ناجعه‌ای تکان دهنده در مرزهای غربی کشور ما در جریان است. صدها هزار انسان دردمند، گرسنه و سرمازده به‌خاطر فرار از بمباران‌های وحشیانه دیکتاتوری جنایتکار به سوی میهن ما روی آورده‌اند. سیل بی‌پناهان کرد عراقی هم‌چنان بسوی مرزهای کشورمان روان است. بنابه‌آخرین گزارشها تعداد پناهندگان به ایران از مرز یک میلیون تن گذشته است و هنوز صدها هزار تن در پشت مرزها، در دامنه کوهها و در شیارهای تپه‌ها، درمیان برف و باران و بر زمینهای مرطوب و گل‌آلود، برهنه و با پاهای خسته وخون‌آلود منتظر ندو گروه گروه انسانهانیز بسوی مرز در حرکت هستند. وضعیت این توده عظیم گرسنه و بی‌سرپناه فاجعه‌بار است. سرمای شدید، بارندگی و برف، گرسنگی و خستگی به مرگ بسیاری از پناهندگان انجامیده و جان هزاران تن دیگر را در خطر قرار داده است. انواع بیماریهای واگیر و عفونی شیوع پیدا کرده. مادران با چشمانی اشکبار فرزندان خردسالی را که از گرسنگی و سرما از دست می‌روند، در زیر خاک، در پشت سر به‌جای می‌گذارند.

آنان که از مرز گذشته‌اند نیز بی‌پناهند. جمعیت شهرهای نقیرنشین و فاقد امکانات مرزی کشور به چندین برابر رسیده است. تا یک هفته پیش تنها یکصد هزار نفر به شهر کوچک سردشت پناه برده بودند. وضعیت همه شهرهای مرزی چنین است. مدارس، محلهای عمومی و حتی اماکن غیرمسکونی و غیربهداشتی، هرجاکه دیواری بالا رفته و سرپناهی وجود داشته، مملو از انسانهاست و هنوز انبوهی از جمعیت در کوچه‌ها و خیابانها سرگردانند. همه گرسنه، همه سرمازده، همه خسته:

حکومت اسلامی رسما اعلام کرده که قادر به تامین نیازهای ابتدایی پناهندگان نیز نیست. دولتهای ثروتمند به‌دلیل محاسبات سیاسی و روابطشان با جمهوری اسلامی، کمکهای ناچیزی به پناهندگان مستقر در ایران اختصاص داده‌اند و این انبوه انسانی را قربانی سیاست بازیهای خود ساخته‌اند. جمهوری اسلامی که ناگهان به یاد زلزله‌زدگان و سیل‌زدگان افتاده، بودجه ناچیزی برای پناهندگان اختصاص داده است. به هر طریق که می‌توانیم توجه انسانهدوستان جهان را به این فاجعه جلب کنیم و فشار برای مجبور ساختن دولتها به کمکهای موثر برای پناهندگان را افزایش دهیم.

وظیفه انسانی خود را فراموش نکنیم. کمکهای مستقیم ما هرچند در برابر ابعاد عظیم نیازها ناچیز باشد، اما چه‌بسا جان کودکی را نجات دهد. به یاری پناهندگان و آوارگان بشتابیم.

وضعیت پناهندگان کرد در ایران

گزارشی را که در زیر می‌خوانید به قلم ژان میشل گاریو خبرنگار بنگاه خبرگزاری فرانسه است. این گزارش در شماره ۱۲ آوریل روزنامه آلمانی فرانکفورتر روندشاو به چاپ رسیده است:

''بر روی زمین نشسته‌اند و از سرما می‌لرزند. چادری که در آن کز کرده‌اند، خالی است: نه بالا پوشی دارند و نه قوت لایموتی. چنین است وضعیت صدها هزار آواره کردی که برای نجات جان خویش به ایران رو آورده‌اند. در اردوگاه‌های برپا شده از سوی دولت. در خوی و سلماس نیز وضعیت وخیم است، هرچندکه در آنجا اندکی به آوارگان کمک رسانده می‌شود.

در خوی ۳۰۰۰۰ آواره هر روز در انتظار ساعت تقسیم نانند. ازدحام تقسیم نان را با مشکل مواجه می‌کند. برای خوردن چیزی به جز نان موجود نیست. اردوگاه فاقد منبع آب است. دو کامیون دارای مخزن آب تنها امکان موجود برای آبرسانی به آوارگان است. آوارگان در طی روز روی زمین نشسته و با هم سخن میگویند.

معروف احمد یک پزشک مصری است. او نیز همراه با آوارگان از عراق به ایران آمده است. او می‌خواسته است بیماران خود را همراهی کند. او می‌گوید: ''من می‌توانستم با خانواده‌ام بیایم. اما فقط کیف پزشکی‌ام را به همراه برداشتم. عاقبت چه خواهد شد؟...

در سلماس ۶۰۰۰ آواره را در یک ورزشگاه گنجانده‌اند. تنها هزار نفر این شانس را داشته‌اند که در سالن فرش شده بسکتبال جای نسبتا گرمی بیابند. بچه‌ها در آغوش والدینشان هستند. زنان می‌گریند. در همه چهره‌ها رنج، مصیبت، ترس و بعضا نشانه‌های خشم هویداست، ''خشم چه علیه صدام و چه علیه آمریکا، که آنها را به قیام فرا خواند ولی قالشان گذاشت.''

آنهایی که در سالن بسکتبال جایی نیافته‌اند، روی سیمان سرد نشسته‌اند و در انتظارند. در انتظار چه؟ بعضا یک دانه پرتقال به آوارگان داده می‌شود. گاه می‌توانند آتشی برافروزند تا خود را گرم کنند. در سلماس نیز خیمه‌های بر پا شده تهی و مغلوکند. بچه‌ها مریضند. درد آوارگان را مرهمی نیست.''

بیش از یک ملیون کرد از عراق به ایران پناهنده شده‌اند

همراه با افزایش سیل‌آسای موج پناهندگان کرد عراقی به ایران، دولت جمهوری اسلامی به جامعه جهانی و سازمان ملل متحد اعلام کرد که توانایی یاری رساندن به یک میلیون پناهنده کرد به ایران را، که دائما بر شمار آنان افزوده می‌شود، ندارد و از جهانیان درخواست کمک کرد.

روز چهارشنبه ۲۱ فروردین ماه علی‌اکبر ولایتی در دیدار با روسای نمایندگی‌های کشورهای خارجی در تهران، ضمن اشاره به عدم توانایی جمهوری اسلامی در پاسخگویی به نیازهای پناهندگان، این مسئله را نه یک مسئله مربوط به ایران، بلکه مسئله‌ای جهانی خواند و خواستار کمک کشورهای خارجی و سازمانهای بین‌المللی گردید. هم‌زمان با آن جمهوری اسلامی تلاشهای وسیعی را برای دریافت کمکهای خارجی آغاز کرد. کمال خرازی نماینده دایمی جمهوری اسلامی در سازمان ملل‌متحد، هفته گذشته دوبار با دبیرکل ملل متحد دیدار کرد و درخواست جمهوری اسلامی مبنی‌بر ارسال کمکهای بین‌المللی را به ایران به‌اطلاع او رساند.

جواد منصوری سفیر حکومت اسلامی در پاکستان روز ۲۱ فروردین اعلام کرد که‌ایران حاضر است از هرکشوری، حتی اگر با آن رابطه سیاسی نداشته باشد، کمکهای انسان دوستانه دریافت دارد. این اظهارات در جهان به‌معنای درخواست غیرمستقیم کمک از امریکا تلقی گردید. جمهوری اسلامی چندین بار با نقل اخبار خبرگزاریهای مختلف مبنی‌بر اینکه امریکا هیچ‌گونه طرحی برای کمک‌رسانی به آوارگان کرد عراقی مستقر در ایران ندارد، بطور غیرمستقیم نارضایتی خود را از عدم کمک‌های امریکائیان بیان داشته‌بود.

یک روز بعداز اظهارات سفیر جمهوری اسلامی در پاکستان ریچارد والکر سخنگوی وزارت خارجه امریکا اعلام کرد ایران تماس مستقیمی با امریکا برقرار نکرده است و اصل پیشنهاد ارسال کمک از طریق سازمانهای بین‌المللی بوده است.

وی گفت ما امیدواریم دولت ایران به زودی درمورد مشخصات کمکهای موردنیاز خود ارزیابی دقیقی ارایه دهد. سخنگوی وزارت خارجه امریکا برای ارسال کمک از طریق سازمانهای مربوطه بین‌المللی اظهار آمادگی نمود، اما ارسال کمکهای مستقیم به جمهوری اسلامی را نیز رد نکرد. به‌گفته منابع امریکایی، ایران در پاسخ، حریم هوایی خود برای پروازهای بین‌المللی را آزاد اعلام کرد. این منابع روز جمعه از قول مقامات صلیب سرخ ایران گفتند جمهوری اسلامی به‌امریکا اجازه داده است هواپیماهایش برای ارسال کمک در فرودگاههای ایران فرود بیایند.

روز ۵شنبه حسین موسویان سفیر جمهوری اسلامی در آلمان، میزان کمکهای مورداحتیاج این کشور را در حدود ۳۰۰ میلیون دلار برآورد کرد. خانم اوگاتا نماینده کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان که روز جمعه به‌ایران و ترکیه سفر کرد، گفت که برنامه‌ای برای اختصاص ۴۰۰ میلیون دلار به‌ایران و ترکیه جهت کمک ۳ماهه به ۱/۵ میلیون پناهنده، در دست بررسی است. رئیس سازمان جهانی مواد غذایی نیز روز جمعه اعلام کرد که مواد غذایی کلیه پناهندگان ایران و ترکیه در ۳۰ روز آینده (حدود ۱۰۰ هزار تن) را تامین خواهد کرد. دولت فرانسه از اختصاص یک بودجه ۲۰۰ میلیون دلاری برای کمک به ایران و ترکیه خبر داد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، پس‌از دیدار وزیر مشاور در امور انسان دوستان کشور فرانسه، جمهوری اسلامی و فرانسه بر یک طرح ۴ ماده‌ای کمک توافق کردند. مطابق این طرح با کمک فرانسه ۸۰۰ تن مواد غذایی و کالاهای ضروری دیگر برای پناهندگان در ایران ارسال می‌شود. دولت انگلستان نیز بخشی از کمکهای خود را روانه ایران کرده است. به‌گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۶۰ تن کالا از انگلستان با هواپیما به فرودگاه ارومیه انتقال داده شده است.

کمکهای خارجی نسبت به نیازهای گسترده پناهندگان هنوز بسیار اندک است. اما جمهوری اسلامی می‌کوشد میزان واقعی آنها را پنهان سازد. روز جمعه هاشمی‌رفسنجانی در نمازجمعه تهران ادعا کرد: کمکهای خارجی به‌آوارگان به‌اندازه کمکهایی است که یک روستای ما فرستاده است. این ادعای دروغ در شرایطی طرح می‌شود که کل اعتبار تخصیص داده شده از سوی رژیم به پناهندگان تنها ۵ میلیارد ریال است.

تبلیغات گسترده برای جلب کمکهای خارجی وپنهان داشتن میزان این کمکها از مردم وپناهندگان این بدگمانی را که بخشی از این کمکها مثل همیشه سراز جاهای دیگر درآورد، تشدید می‌کند.

☆☆☆

مجاهدین خلق
سکوت و جنجال

در جریان رویدادهای اخیر عراق، رژیم جمهوری اسلامی از تضعیف رژیم صدام و از گسترش جنبش اعتراضی مردم عراق بهره گرفته و برای تحقق اهداف خود که برقراری جمهوری اسلامی در عراق و سرکوب نیروهای مخالف جمهوری اسلامی آن سوی مرز ایران است، به تبلیغات گسترده و به اقدامات معین دست یازید که با عکس‌العمل دولت عراق روبرو شد.

سازمان مجاهدین خلق و در پی آن مطبوعات غربی اعلام کردند که رژیم جمهوری اسلامی برای ضربه زدن و از بین بردن پایگاه‌های نظامی مجاهدین، نیروهای مسلح خود را به خاک عراق فرستاده است. مجاهدین خلق اعلام کردند که در یک ماه گذشته بیش از ۴۰ مجاهد بدست پاسداران کشته شده‌اند. آنها گفتند که در یک ضد حمله موفق شده‌اند به چند لشکر و تیپ پاسداران در حوالی شهر خانقین عراق ضربه خرد کننده وارد آورند و ۱۵۰۰ نفر از پاسداران را کشته و عده زیادی از آنها را مجروح نمایند. بگفته مجاهدین خلق رژیم جمهوری اسلامی از حوالی ۲۰ اسفند ۶۹ دست‌اندر کار این عملیات بوده و نیروهای خود را در پادگان قلعه شاهین سرپل ذهاب متمرکز نموده و سرانجام از چند محور به مجاهدین حمله برده است.

جمهوری اسلامی هم این درگیری را تایید کرد و اعلام نمود که: ''گروهی از منافقین که قصد نفوذ به خاک جمهوری اسلامی را داشتند با نیروهای نظامی مستقر در شمال منطقه قصر شیرین درگیر شدند و ضمن تار ومار کردن منافقین تعداد زیادی از آنان را به هلاکت رسانده و گروهی را نیز به اسارت درآوردند.''

سازمان مجاهدین در مورد این درگیری اطلاعیه‌های متعددی صادر کرده و مصاحبه‌های مطبوعاتی برگزار نموده ولیستی از اسامی ۱۵۰ نفر از پاسداران ایرانی را که در این درگیری به قتل رسیده‌اند اعلام نموده است. مجاهدین خلق دفع حمله پاسداران را موفقیت بزرگی برای نیروهای نظامی خود به حساب آورده‌اند، آنها از وقوع این درگیری بهره جسته و سعی نمودند با بزرگ جلوه دادن درگیری و گسترش تبلیغات پیرامون آن، عدم حضور فعال خود را در طی چند ماه اخیر جبران نمایند و نشان دهند که مجاهدین بعد از جنگ خلیج و جنبش اعتراضی مردم عراق، موجودیت نیرومندی دارند و علیه رژیم جمهوری اسلامی قویا مبارزه می‌کنند.

جنگ خلیج، حرکت اعتراضی مردم عراق و وقوع درگیری بین مجاهدین و پاسداران، بار دیگر سئوالات متعددی را در مورد وضعیت سازمان مجاهدین و سیاست‌های آن پیش‌آورده است.

صدام‌حسین در سال گذشته با زور و قلدری کویت را اشغال کرد و وضعیت بحرانی را در منطقه و جهان بوجود آورد که سرانجام به‌حمله نظامی امریکا و متحدین آن منجر شد و کویت از اشغال عراق بیرون آمد. اقدام تجاوزکارانه صدام وجنگ خلیج مهمترین رویدادطی سال گذشته بود که سایر مسائل جهان را تحت‌الشعاع قرار داد و تاثیرات وسیعی بر رویدادهای منطقه خاورمیانه و جهان بجا گذاشت. تمام نیروهای سیاسی نسبت باین رویداد موضع گرفتند و جهان اشغال کویت را توسط صدام محکوم کرد. نیروهای طرفدار صلح نیز اقدام نظامی امریکا و متحدین آنرا رد کردند.

طبعا همه انتظار آنرا داشتند که موضع سازمان مجاهدین خلق را نسبت باین رویداد مهم جهانی بدانند و بر این امر آگاه شوند که بالاخره مجاهدین خلق تجاوز آشکار و خشن صدام را محکوم و یا حداقل نکوهش خواهند کرد یا نه؟ ولی مجاهدین در قبال این حادثه موضع نگرفتند و در این مورد سخنی برزبان نراندند. وضعیت سازمان مجاهدین خلق در عراق و عدم موضع‌گیری آن موجب گردید تاشایعات متعددی که در مورد همکاری نیروی مجاهد با صدام‌حسین بر سر زبانها بود، تقویت شود.

بعداز خاتمه جنگ مردم عراق بویژه کردها و شیعه‌ها علیه صدام بپاخاستند و پیکار سختی را با این رژیم سرکوب گر پیش‌بردند. خیزش مردم عراق مورد حمایت نیروهای مترقی قرار گرفت و این امید در دل جهانیان بوجود آمد که دیکتاتور عراق با جنبش توده‌ای سرنگون شده و منطقه خاورمیانه و مردم عراق از شر آن راحت شوند. در این مورد نیز مجاهدین سکوت کردند و از مردم بپاخاسته عراق حمایت بعمل نیاوردند.

سرکوب جنبش توده‌ای به ویژه جنبش خلق کرد موجب گشت که چند ملیون تن از کردهای عراق برای دور ماندن از انتقام جویی رژیم صدام از سرزمین خود کنده شده و در شرایط سختی به سوی مرزهای ایران و ترکیه سرازیر شوند.

سرکوب کردها و مهاجرت آنها بطور وسیعی در سطح جهان بازتاب یافته است. هزاران انسان براثر گرسنگی و شدت سرما در طی این کوچ بی‌سابقه جان خود را از دست داده‌اند. مصیبت‌های ناشی از این کوچ دل جهانیان را بدرد آورده و همدردی وسیعی را در سطح جهان برانگیخته است.

مردم نسبت باین جنایات صدام اظهار نفرت و انزجار میکنند ولی سازمان مجاهدین هم‌چنان از کنار این فاجعه میگذرد و نسبت به سیاست خلق‌کشی صدام لب از لب نمی‌گشاید و حتی از انعکاس اخبار این فاجعه خودداری می‌ورزد. در آخرین شماره‌های ''بولتن خبری'' سازمان مجاهدین خلق کوچکترین سخنی در این مورد نمی‌توان مشاهده کرد.

بقیه در صفحه ۵

www.iran-archive.com

محکومیت کوپر حدود پنج سال بود!

آزادی ناگهانی راجر کوپر از زندان در حالیکه قریب دو هفته پیش از آن رئیس قوه قضائیه آزادی احتمالی وی را به شدت تکذیب کرده بود، قوه قضائیه رژیم جمهوری اسلامی را دچار مضحکه سختی کرده است. خبرنگار کیهان در تماس با یکی از مسئولین قوه قضائیه علت آزادی راجر کوپر را باتوجه به سخنان اخیر یزدی مورد سئوال قرار می‌دهد. در پاسخ، مسئول قوه قضائیه انجام هرگونه معامله سیاسی را تکذیب می‌کند ومدعی می‌شود آزادی کوپر در پی پایان یافتن مدت محکومیت وی صورت گرفته است. وی در پاسخ خبرنگار که مدت محکومیت کوپر را سئوال کرد پاسخ داد کوپر به ''حدود پنج سال'' زندان محکوم شده بود! اختفای میزان محکومیت نیز بخاطر ''مصالح مملکت'' بوده است. مقام مزبور برای این سئوال خبرنگار که این حکم کی صادر شد پاسخی نداد. او هم چنین این سئوال خبرنگار را هم که محاکمه در کدام دادگاه صورت گرفت بی‌پاسخ گذاشت.

تحصن در برابر کاخ ریاست جمهوری

در تهران در روز یازدهم فروردین ماه سکنه خیابان نواب صفوی در برابر کاخ ریاست جمهوری متحصن شدند. آنها در اعتراض به تصمیم شهرداری تهران که قصد تعریض این خیابان و در نتیجه تخریب منازل دوسوی آنرا دارد، به این اقدام دست زدند. تصمیم شهرداری به این منظور است که بزرگراه چمران را امتداد دهد. سکنه خیابان نواب صفوی قیمت گذاری خانه‌هایشان را غیرمنصفانه و یکطرفه می‌دانند. آنها می‌گویند با خسارت پرداختی شهرداری قادر به تامین مسکن مشابهی نخواهند شد. ازینرو بدرستی مطالبه می‌کنند که بجای پول خانه‌ای مشابه به آنها داده شود. تحصن یازدهم فروردین ماه، سومین تحصن معترضین طی دو هفته بود.

ابهام در میزان افزایش بهای پروازهای خارجی

بدنبال افزایش بهای بلیط پروازهای خارجی، شورای اقتصاد مقرر کرد هواپیمائی ملی ایران (هما) برای کلیه مسافران ایرانی ۴۰ درصد تخفیف قائل شود. این تصمیم شورای اقتصاد به معنی قطعی شدن افزایش بهای بلیط به میزان بیش از دو برابر بهای پیشین است که بسته به مقصد پرواز این نسبت بیشتر و یا کمتر می‌شود. تصمیم شورای اقتصاد روز ۱۱ فروردین ماه از سوی رئیس سازمان برنامه وبودجه اعلام گردید.

در پی اعلام این تصمیم، سازمان هواپیمائی ملی ایران آنرا غیرقابل اجرا دانست ومتذکر شد که پرداخت چنین تخفیفی مغایر تعهدات بین المللی ''هما'' و مقررات انجمن بین المللی حمل ونقل هوائی (یاتا) است. جلسه مشترک مسئولین سازمان برنامه وهما در روز ۱۴ فروردین نیزره بجائی نبرد و نتوانست به اتخاذیک تصمیم واحد بیانجامد.

به نوشته روزنامه‌ها با مبهم ماندن میزان افزایش بهای بلیط، بلاتکلیفی وسرگردانی مسافران پروازهای خارجی ادامه دارد وهر روزه در دفاتر فروش بلیط جر وبحث و کشمکش شدیدی میان متقاضیان وکارمندان دفاتر جریان دارد.

امسال نیز در سراسر کشور مردم مراسم سیزده‌بدر را در باغها و سبزه‌زارها و پارکهای شهرها برگزار کردند. مراسم امسال علاوه بر ستیز همیشگی رژیم با سنن ملی و مراسم جشن و شادمانی، با محدودیتهای مضاعف ناشی از ماه رمضان نیز مواجه بود. باوجود این مردم از برپایی مراسم این سنت نیک باز نایستادند و با حضور وسیع در مناطق سرسبز، به پیشواز طراوت بهار رفتند.
عکس، حضور مردم را در روز سیزده فروردین در یکی از پارکهای تهران نشان می‌دهد.

مراسم روز قدس

رژیم جمهوری اسلامی به رسم هر سال همزمان با آخرین جمعه ماه رمضان مردم را به شرکت در ''راه‌پیمایی‌های سراسری روز قدس'' دعوت کرد. مراسمی که روز جمعه گذشته در تهران برگزار شد، علیرغم تبلیغات گسترده رژیم، با استقبال مردم مواجه نشد. اما بلندگوهای تبلیغاتی رژیم مانند همیشه از شرکت میلیونها تن در آن سخن گفتند. در قطعنامه ۷ ماده‌ای که در پایان این مراسم قرائت شد، مواردی شامل تجدید میثاق با خمینی، تبعیت کامل و پیروی از دستورهای خامنه‌ای که ''ولی امر مسلمین'' خوانده شد، حمایت همه‌جانبه از قیام مردم عراق، خروج فوری نیروهای بیگانه از منطقه و حق تعیین سرنوشت مردم عراق گنجانیده شده است. در قطعنامه فوق ضمن محکوم ساختن تلاشهای سازشکارانه پیرامون مسئله فلسطین، تنها راه ''آزادی قدس'' به کارگیری رهنمودهای خمینی و مبارزه تا سرحد نابودی اسرائیل اعلام شده است.

هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه این روز، نه در مورد طرحهای مطرح شده درمورد مسئله فلسطین و نه در مورد ایده ایجاد منطقه امن در شمال عراق موضعی نگرفت و به تکرار شعارهای بی‌محتوا بسنده کرد.

آلودگی محیط زیست در مناطق جنوبی کشور

آلودگی محیط زیست در مناطق جنوبی کشور، براثر عوارض ناشی از جنگ خلیج فارس تشدید می‌شود. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه گذشته دود سیاهی آسمان شهرهای بوشهر و گناوه را فرا گرفت واین دو شهر را در تاریکی فرو برد، جزیره خارک و اطراف آن نیز با توده‌ای از این دود سیاه که براثر سوختن چاههای نفت کویت بوجود آمده پوشیده شد. خبرگزاری جمهوری اسلامی در گزارش دیگری افزود: دود ناشی از سوختن چاهها و بارش بارانهای سیاه و اسیدی آثار سویی در استان کهکیلویه و بویراحمد نیز برجای گذارده است. هفته گذشته براثر بارندگی، مواد سمی سطح استان را فرا گرفت. مواد سمی در شهرستان گچساران بیشتر از سایر جاها بوده و قدرت رشد را از گیاهان سلب کرده است. مطابق این گزارش آلوده شدن آب در نقاط قشلاقی استان، انواع بیماریهای دامی را بوجود آورده است.

انتشار گزارش اقتصادی سال ۱۳۶۸

گزارش اقتصادی سال ۱۳۶۸ از سوی سازمان برنامه و بودجه منتشر شده است. از آنجا که سال ۶۸ نخستین سال اجرای برنامه ۵ ساله کابینه رفسنجانی است، این گزارش می‌تواند چشم‌انداز روشنی از سرانجام این برنامه ارائه دهد.

در گزارش فوق آمده است: بخش کشاورزی در سال مذکور از رشد بسیار اندکی به میزان ۸ درصد برخوردار بود که از رقم پیش‌بینی شده در برنامه پنج ساله بسیار کمتر است ...تولید پاره‌ای محصولات کشاورزی کاهش شدید نشان می‌دهد. از جمله از نظر وزن گندم ۲۲ درصد، چغندر قند ۳۳ درصد، نیشکر ۴/۷ درصد، حبوبات ۲۰ درصد، پیاز ۳۲ درصد وسیب زمینی ۴۹ درصد کاهش داشته‌اند.

مطابق این گزارش از میان تولیدات اصلی کشاورزی، تنها تولید پنبه و دانه‌های روغنی از رشد خوبی برخوردار بودند.

رشد ارزش در بخش نفت ۱۵/۸ درصد بود. این بخش با وجود بهبود بازار جهانی نفت در آن سال نتوانست به ۲۱/۴ درصد رشد پیش‌بینی شده در برنامه برسد.

در سال ۶۸ صنایع واسطه‌ای وسرمایه‌ای تنها ۶/۲ درصد رشد کردند. درحالیکه طبق برنامه می‌بایست صنایع واسطه‌ای ۲۰ درصد و صنایع سرمایه‌ای ۲۴ درصد رشد داشته باشند.

در سال مذکور تنها ۱۱۶ هزار واحد مسکونی ساخته شد که حتی کمتر از رقم ۱۲۸ هزار واحد مسکونی ساخته شده در سال ۶۷ است. مطابق برنامه پنج ساله می‌بایست طی سال ۶۸، ۲۹۴ هزار واحد مسکونی ساخته می‌شد.

گزارش اقتصادی سال ۶۸ رشد مجموع تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل بر حسب قیمت‌های سال ۶۷، ۲/۶ درصد برآورد می‌کند که فاصله زیادی با ۷/۹ درصد رشد پیش‌بینی شده دارد. برآورد فوق حتی اگر واقعی هم باشد بدین معنی است که رشد حاصله، از نرخ رشد افزایش جمعیت کشور نیز عقب‌تر مانده است.

فرانسه ۱/۱ میلیارد دلار می‌پردازد

کریستین رات سفیر پیشین فرانسه در تهران، در مصاحبه با نشریه عربی زبان الحیات که در انگلستان و فرانسه منتشر می‌شود گفت به هنگام دیدار رولان دوما وزیر خارجه فرانسه از تهران در اوایل ماه مه، توافق دو کشور در مورد اختلافات مالی اعلام خواهد شد. اختلاف مالی دو کشور مدتهاست ادامه دارد و ایران خواستار ۳ برابر آنچه که فرانسه حاضر به پرداخت است، می‌باشد. به نوشته روزنامه الحیات فرانسه ۱/۱ میلیارد دلار به ایران خواهد پرداخت.

گفته شده اعلام این توافق با ایجاد یک کمیسیون مشترک دوجانبه همراه خواهد بود که ریاست طرف ایرانی آنرا غلامرضا آقازاده وزیر نفت خواهد داشت.

افزایش بهای تراکتور و کمباین

افزایش بی‌وقفه نرخ خدمات و کالاهائی که از سوی دولت در اختیار مردم قرار می‌گیرد، همچنان ادامه دارد. این بار روغنی‌زنجانی معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه‌وبودجه و عضو شورای اقتصاد افزایش بهای تراکتور را اعلام داشت. وی طی یک مصاحبه گفت ازاین پس قیمت‌گذاری تراکتور برمبنای ارز رقابتی (هر دلار ۶۰۰ ریال) خواهد بود و تنها بخشی از بهای هر تراکتور به روال سابق با دلار ۷۰ ریالی محاسبه خواهد شد. نژادحسینیان وزیر صنایع سنگین نیز در مصاحبه دیگری اظهار داشت علاوه بر تراکتور بهای کمباین نیز افزایش یافته است.

در ابراز مخالفت با این تصمیم، دکتر انگجی قائم‌مقام وزیر کشاورزی در گفتگوئی با روزنامه اطلاعات آنرا تورم‌زا دانست که به کاهش درآمد کشاورزان، مهاجرت آنان به شهرها وافزایش بهای محصولات کشاورزی خواهد انجامید. وی اعلام داشت سوبسید پرداختی برای هر تراکتور ۳۰۰ هزار تومان و مجموع سوبسید پرداختی به بخش کشاورزی ۱۵ میلیارد تومان است که عمده آن صرف تامین نیازهای اساسی کشاورزی ازقبیل کود می‌گردد.

افزایش بهای خدمات و کالاها به خاطر تصمیم دولت مبنی بر حذف تدریجی سوبسید است که اجرای آن از سوی بانک جهانی نیز از رژیم جمهوری اسلامی خواسته شده است.

شناسنامه‌ها تعویض می‌شود

رحمانی رئیس سازمان ثبت احوال جمهوری اسلامی طی مصاحبه‌ای در روز سه‌شنبه ۲۰ فروردین اعلام کرد، کلیه شناسنامه‌های ایرانیان (مقیم داخل وخارج کشور) تا پایان سال ۷۲ تعویض می‌شود و به جای شناسنامه‌های کنونی، شناسنامه‌های جمهوری اسلامی صادر خواهد شد. وی گفت در سال گذشته بیش از ۹ میلیون شناسنامه جدید صادر شده است. رحمانی از مردان متولد سالهای ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۷ و زنان متولد ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۵ خواست که از روز ۲۱ فروردین با مراجعه به حوزه‌های ثبت احوال اقدام به تعویض شناسنامه‌های خود کنند.

چند خبر کوتاه اقتصادی

● در سال ۱۳۶۷ عده کارکنان کارگاههای بزرگ صنعتی (صنایع سنگین) ۷۳۰۰۰ نفر بود. این رقم در قیاس با شاغلین همین بخش در سال ۱۳۶۳ که ۱۱۶۰۰۰ نفر بودند ۳۶/۹ درصد کاهش نشان می‌دهد.

● در روز ۱۲ فروردین فاز دوم پالایشگاه نفت آبادان راه‌اندازی شد. طبق برنامه، از این پس این پالایشگاه باید بتواند روزانه ۲۶۵ هزار بشکه نفت خام را تصفیه کند. این حجم هنوز با ظرفیت تصفیه پیش از جنگ این پالایشگاه که ۶۵۰ هزار بشکه در روز بود فاصله زیادی دارد. حجم کنونی تصفیه نفت پالایشگاه آبادان ۱۴۰ هزار بشکه در روز است.

● محدودیت خروج صنایع دستی که توسط مسافرین پروازهای خارجی حمل می‌شود، لغو گردیده است. پیش از این هر مسافر تنها مجاز بود صنایع دستی به ارزش حداکثر ۳۰ هزار ریال همراه داشته باشد.

● نشریه اقتصادی میدل ایست اکونومیک دایجست گزارشی از حجم مبادلات اقتصادی ایران را در سال ۹۰ منتشر ساخته است. ارقامی که در زیر می‌خوانید برگرفته از این گزارش است.

صادرات به:		واردات از:
آلمان	۷۸۳	۲۵۰۰
ژاپن	۲۰۳۵	۱۲۲۵
ایتالیا	۱۵۰۰	۱۱۰۰
انگلیس	۵۰۰	۶۹۰
فرانسه	۱۶۰۰	۶۰۰

ارقام ده ماهه اول سال ۹۰ واحد: میلیون دلار

● وزرای خارجه هلند، ایتالیا ولوکزامبورک که در راس هیاتی از سوی بازار مشترک به تهران رفته بودند، به کشورهایشان بازگشتند. دستور اصلی کار این هیات در تهران، مذاکرات اقتصادی و هموار ساختن راه گسترش بیشتر مناسبات اقتصادی فیمابین کشورهای عضو بازار مشترک و ایران بوده است.

وزیر خارجه سویس نیز در فروردین ماه در سفر به تهران مناسبات اقتصادی فیمابین را با مقامات ایرانی مورد بررسی قرار داد.

www.iran-archive.com

پیرامون بازگشت پناهندگان به کشور

مسئله چیست

از چندی پیش در میان پناهندگان ایرانی وتجمع‌های سیاسی اپوزیسیون خارج از کشور، پیرامون امکان بازگشت امن به میهن گفتگوها و مباحثی جریان یافته که بویژه طی هفته‌های اخیر ابعاد نسبتا گسترده پیدا کرده است. این اخبار با پخش شایعات بی‌اساس و دروغ نیز همراه شده است. کانون اصلی انتشار موج جدید اخبار مربوط به امکان بازگشت امن به کشور، فرانسه و آلمان است.

تا آنجا که به زمینه‌های واقعی این اخبار مربوط میشود، باید فعالیت‌های محدود اما تدریجا رو به گسترش سفارت خانه‌های رژیم در کشورهای غربی مخصوصا مراکز اصلی تمرکز پناهندگان را در نظر داشت که البته خود مسبوق به سوابق کار در سطوح پائین‌تر است. از مدتی قبل به این سو، ماموران وزارت اطلاعات رژیم مستقیما از داخل کشور با برخی پناهندگان سیاسی تماس تلفنی برقرار میکنند و باصطلاح "دوستانه" به آنها میگویند که به شرط انصراف رسمی و عملی از مخالفت با نظام ولایت فقیه، میتوانند به کشور برگردند. اما اکنون، سطح فعالیت‌های رژیم در این عرصه تا آنجا ارتقاء یافته است که بعضی از سفارتخانه‌ها در شکل غیر رسمی و نیمه علنی با پناهندگان و بعضی محافل سیاسی در خارج از کشور وارد گفتگو شده‌اند.

زمینه جذب و گسترش این اخبار در میان پناهندگان سیاسی نیز آنست که بخش بزرگی از این پناهندگان حتی یک روز هم از اندیشه بازگشت به کشور و زندگی و کار در وطنشان فارغ نیستند. محروم شدن نیروی چندمیلیونی ایرانی خارج از کشور از اقامت در کشورشان، درد بزرگ این توده وسیع است و ننگ بزرگی است که داغ آن بر پیشانی دولتمداران جمهوری اسلامی خورده است. اگر این حقیقت بزرگی است که چاره درد دوری از وطن، بازگشت به وطن است پس این نیز واقعیت دارد که هر شایعه مربوط به امکان سرآمدن دوره خرمان ومحنت، دربدری از میهن ودوری از مردم با حساسیت مهاجرین روبرو شود. بعلاوه موضوع مهاجرت اجباری بخش عظیمی از شهروندان ایران طی دهسال حکومت آخوندی به خارج از کشور و احتمال بازگشت امن آنها به ایران فقط مسئله این شهروندان نیست، بلکه مسئله عموم جامعه ایران است و همگان در برابر آن بحق حساس هستند.

رژیم از این خرده اقدامات وتشبثات نیم‌بند اهداف معینی را تعقیب میکند و منشاء اصلی این تشبثات همانا بحران در مناسبات حکومت با جامعه و نوعی رهجویی آخوندهای حکومتی برای تخفیف بحران در نحوه اداره کشور است. رژیم که قادر نیست سیاست‌های دهسال گذشته را با همان رنگ وبو ادامه دهد، حفظ ونجات خود را در فاصله‌گیری از علائم ورشکستگی سیاست ورشکسته خود یافته است.

رژیم که در داخل کشور مجبور شده در برابر نیروی بزرگی از روشنفکران و اهل اندیشه و صاحبان تخصص، اینجا و آنجا و در زمینه‌هایی کوتاه بیاید، دیگر دلیلی نمی‌بیند که رابطه با خارج نیز به همان حربه عناد مطلق سابق متوسل شود. تلاش برای جمع وجور کردن حداقل کشتی به گل نشسته اقتصاد کشور و راه‌اندازی چرخ تولید ورشکسته به نیروی متخصص، با دانش و اندیشه ورز نیاز دارد که حزب اله جماعت از این نیرو بی‌بهره است. این در حالیست که آمارهای مرروزه روی میز وزرای کابینه رژیم آخوندی، این حقیقت بسیار تلخ و گزنده را نشان میدهد که چه نیروی عظیمی از دانشمندان، متخصصان، اساتید دانشگاهی، پزشکان، مهندسان، کارشناسان وآموزگاران با فرهنگ و بطور کلی افراد کاردان ومجرب به دلیل عدم تمکین به اراده مستبدانه فقها و انواع تضییقات ارتجاعی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ملی ومذهبی مجبور به جلای وطن شده‌اند. رژیم چه بخواهد وچه نخواهد، قادر نیست این ثروت بزرگ کشور را نادیده بگیرد. بعلاوه دست اندرکاران حکومتی برآنند تا بازگشت مطیعانه هر مخالف نظام حاکم برایران را یک پیروزی سیاسی جلوه دهند وباصطلاح تثبیت جمهوری اسلامی در کشور را به رخ بکشند. رژیم میخواهد که برگشت جفرافیایی مهاجرین، برگشت آنها از باورها واهداف پیشین و موافقت آنان با جمهوری اسلامی جلوه‌گر شود.

از سوی دیگر اکنون که دولت رژیم آخوندی، ماشین جمهوری اسلامی را به سرازیری جاده دوستی با جهان غرب سوق داده است، ضروری می‌بیند تا سیاست سنتی بی‌اعتنایی وبی‌حرمتی مطلق به حقوق بشر، وبراین پایه بی‌توجهی به ملاحظات سیاسی دول غرب را تعدیل بخشد و سیاست تظاهر به رعایت حقوق بشر را تدریجا جایگزین سیاست ده ساله گذشته کند. وجود خیل مهاجرین در غرب و انبوه پناهندگان سیاسی، جزو زنده‌ترین وکوبنده‌ترین مدارک جرم علیه رژیم آزادی‌کش آخوندی است و بنابراین کاستن ازتیزی این مدرک عریان وکم‌رنگ کردن این سند جرم وجنایت نیز منطقا ازالزامات خط دولت رفسنجانی است. این حجت الاسلام و دیگر هم خطهای او که قدرت اجرایی در کشور را قبضه کرده‌اند، برای کم‌اثر کردن تبلیغات مستند برضد وجود واستمرار استبداد جمهوری اسلامی، تاکتیک تبلیغ ضد تبلیغ را برگزیده‌اند. رژیم در رابطه با افکار عمومی جهانیان، به مانور و نمایش احتیاج دارد. مانوری که البته بی‌نتیجه هم نمانده ودر موضع‌گیری‌های حکومت‌های غرب وحتی تاحد قابل توجهی در رسانه‌های گروهی غرب انعکاس و تاثیر خود را گذاشته است. حال آنکه مردم ایران میدانند آنچه دولت رژیم آخوندی در عرصه احترام به حقوق بشر ادعا میکند، مصداق یک خروار حرف و یک جو عمل را دارد و در بهترین حالت حرفهای بی‌مالیات سران حکومتی است که معلوم نیست پشتوانه عملی آنها کدامست ویا چه زمانی عملی خواهد شد.

مخلص کلام اینکه، اصل قضیه آنست که رژیم در چنبره تضاد و تناقض بین خواسته‌ها وتحمیلات خود به مردم ایران ازیکسو و واقعیات جامعه ایران و جهان کنونی ازسوی دیگر گرفتار است. همه هشیاری هاشمی رفسنجانی در آنست که زودتر از بقیه آخوندهای حاکم ضرب این پتک را بر فرق سر خود احساس میکند و همه مهارت او نیز در آنست که زودتر از دیگران میکوشد تا با تمکین در برابر واقعیت‌ها، کشور را همچنان بر مدار قدرت آخوندی و برنامه‌های درازمدت فقاهت بچرخاند. اما این تناقض که در ادامه روند، قطعا به دست مردم و جبهه دموکراسی به سود واقعیت حل خواهد شد، به دست رفسنجانی‌ها حل شدنی نیست. تشبثات اخیر رژیم در رابطه با پناهندگان نیز مانند دیگر موارد صرفا در پرتو این تناقض اساسی قابل تبیین است.

رژیم جمهوری اسلامی همچنان یک رژیم آخوندی است و همه اعمال خود را اساسا بر تحمیل زورگویانه خود به جامعه ونفی و سرکوب مخالفان خود قرار می‌دهد. هیچ نشانه‌ای دایر بر سازش رژیم با دموکراسی وآزادی دیده نمی‌شود. اعدام و کشتار مخالفان در زندان‌ها همچنان ادامه دارد. ترور شخصیت‌های سیاسی اپوزیسیون به قوت خود باقی است. هرگونه تشکل مخالف رژیم سرکوب می‌شود. انتقام‌کشی از آزادیخواهانی که اتهامشان فقط مبارزه با رژیم در سال‌های قبل بوده همچنان جریان دارد. سرکوب‌های نوبتی وتضییقات مداوم حتی علیه منتقدان هم تبار آخوندهای حاکم و یا جریانات و شخصیت‌های حاشیه‌ای حکومت که به نارسایی‌های نظام استبداد حاکم اعتراض و انتقاد دارند، هنوز منتفی نشده است. سانسور شدید قلم و بیان و ممانعت لجوجانه نسبت به ایجاد نهادهای فرهنگی وهنری مستقل وکارشکنی نسبت به ادامه فعالیت معدود نهادهای شکل گرفته از این دست، برنامه عمل روزمره نهادهای سرکوبگر حکومت است. انواع فشارهای اجتماعی و دخالت در امور زندگی شخصی و خصوصی شهروندان، ناامنی و عدم اعتماد مردم و بویژه جوانان نسبت به آینده، شرایط دشوار اقتصادی به شمول کمبود و گرانی و بیکاری ونیز تنگ شدن روز افزون عرصه امکانات تحصیلی وبویژه تحصیلات عالی در کشور، همه وهمه زمینه‌های مهاجرت بخش‌های بزرگی از توده‌های مردم به خارج از کشور است که کماکان سرجای خود باقی است. هم اکنون در مهرآباد تهران، "موسسه‌ای" به نام دادستانی اوین مستقر در فرودگاه دایر است که بر اساس لیست سیاه بلند بالایی مسافران را کنترل کرده وبه محض یافتن شکار، طعمه را روانه شکنجه‌گاه اوین می‌کند. در یک کلام، در ایران از آزادی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خبری نیست و سرکوب‌ها همچنان ادامه دارد.

اگر رژیم ولایت فقیه واقعا در مسئله بازگشت امن مهاجران به کشور جدی باشد، باید این موضوع بسیار با اهمیت وبزرگ ابعاد را آشکارا و صریح و از سوی مسئولان اصلی خود در قبال جهانیان اعلام بکند.

اگر حضرات واقعا ریگی به کفش نداشته باشند اینگونه به قایم‌باشک‌بازی و به اصطلاح چشیدن مزه دهان حریف متوسل نمی‌شوند. صریح و روشن توضیح می‌دهند که بازگشت امن مهاجرین و پناهندگان سیاسی به کشور چه رابطه‌ای با بازگشت آزادی به کشور دارد. مثلا مهاجر بازگشته آزاد است تا آنچه را می‌اندیشد بر زبان براند و مثلا با قانون اساسی ولایت فقیه، با استبداد حاکم، با خرافه‌پرستی رایج در کشور و با هرچه که غیر متمدنانه و غیر انسانی است و جنبه دخالت در امور شخصی دارد، مخالفت بورزد یا نه؟

اگر رژیم حاضر بود به عملکرد تعدادی از رژیم‌های دیکتاتوری جهان طی دو سه سال گذشته تاسی جوید و روند ایجاد فضای باز در ایران را پیش بگیرد، آنگاه باید اول از همه تکلیف زندانیان سیاسی را روشن کند و موضع خود را در قبال حق دگراندیشان برای بیان نظر و عقیده و آزادی مردم در انتخاب شیوه زندگی‌شان بکلی تغییر دهد. اما اعمال دیروزین و امروزین رژیم مستبد ولایت فقیه، همه حاکی از آن است که استبداد همچنان آئین و شیوه رژیم آخوندی است.

این البته از بدیهیات پایبندی به اصول آزادی و دموکراسی است که حق انتخاب هر شهروند برای تعیین محل زندگی‌اش به رسمیت شناخته شود و مورد احترام قرار گیرد. هیچ کس و هیچ نیروی سیاسی مجاز نیست که مانع و یا مخل تصمیم شهروندانی شود که می‌خواهند به وطنشان بازگردند و بهیچوجه حق ندارند که تصمیم این یا آن مهاجر برای بازگشت به کشور را به حربه‌ای علیه حیثیت آنها بدل کنند. تصمیم برای برگشت یک شهروند به وطن خود و یا عدم برگشت به آن، اساسا یک تصمیم فردی و است و باید شرایط برای اتخاذ منطقی، سنجیده و آزادانه چنین تصمیمی از هر نظر فراهم آید. سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون در برخورد مسئولانه با این موضوع حساس موظفند که اولا بدقت علل و اهداف طرح‌ها و تاکتیک‌ها را در این زمینه تشریح کنند؛ ثانیا اطلاعات و ارزیابی‌ها، راهنمایی‌ها و هشدارهای لازم را در مورد بازگشت امن به داخل کشور و نحوه مقابله با خطرات احتمالی که می‌تواند در داخل برای آنها پیش بیاید، به آنان گوشزد کنند؛ و ثالثا فعالانه و به شکل متحد مانع از این شوند که تشبثات اخیر رژیم منجر به دشوار شدن شرایط پناهندگی برای پناهندگان قدیمی و تازه وارد شود. بی‌هیچ تردیدی، مبارزه برای تامین شرایط بازگشت امن همه مهاجرین به کشور، باید با مبارزه برای حفظ حقوق و تسهیل شرایط پناهندگی ایرانیان در خارج کشور همراه باشد.

طبیعی است که بازگشت ولو محدود و مشروط پناهندگان به کشور، علیه رژیم تحجر واستبداد و به سود کشور و مردم است. برگشت افرادی که شناخت لازم را از رژیم استبداد فقاهتی کسب کرده‌اند و در عین حال از نزدیک به وجود آزادی و دموکراسی و احترام به حقوق بشر را در بسیاری از کشورهای جهان تجربه کرده‌اند، افرادی که عموما به بخش روشنفکری جامعه تعلق دارند و در میان آنان عناصر با فرهنگ و فرهیخته کم نیستند، قطعا به سود تحجر و استبداد و تنگ نظری آخوندی نیست. ورود این افراد به جامعه، آن روندی را در جامعه تقویت می‌کند که هر روز در کمیت و کیفیت بیشتری تحمیلات آخوندی بر جامعه را به عقب می‌نشاند و امکانات و توانایی مبارزه متنوع برای تامین آزادی و تقویت تلاشهای

بااین حال خطای بزرگی خواهد بود هرگاه در این تاثیرات وحد وحدود آنها غلو شود ویا در پرتو این تاثیرات، استراتژی اصلی اپوزیسیون در مبارزه متشکل برای آزادی در ایران از نظر دور بماند. اپوزیسیون رژیم در خارج از کشور هراندازه هم که پراکنده باشد و با آمادگی برای یک تعرض همه جانبه به رژیم و تحکیم پیوند با توده‌های مردم در داخل کشور فاصله داشته باشد باز خار چشم رژیم فقاهت وبرای آینده نظام استبدادی حاکم بر کشور یک خطر بالقوه است. یک انسان متعهد به رهایی کشور از چنگال ارتجاع واستبداد، بازگشت به کشور را منطقا در خدمت تقویت استراتژی مبارزه متشکل و متحد اپوزیسیون آزادیخواه در داخل و خارج کشور میخواهد.

مردم و اپوزیسیون آزادیخواه و مترقی مبارزه با رژیم آزادی‌کش وضدتجدد را در همه عرصه‌ها و در اشکال متنوع وبا خواست‌های کوچک تا بزرگ پیش میبرند. از اینرو هرخواست از رژیم وهرتلاش برای عقب نشاندن آن باید با درنظر داشت چشم‌انداز نفی کامل استبداد وحاکمیت آخوندی از کشور صورت گیرد و به تحقق این هدف کمک کند. بهره‌گیری از هر روزن گشوده شده وهر فرصت پیش‌آمده که ناشی از عقب نشینی رژیم در قبال مردم است، مجاز و منطقی است به شرط آنکه هشیارانه وبدون افتادن به دام خدعه ونیرنگ رژیم ودر تعهد به منافع مردم کشور صورت گیرد. بازگشت امن همه مهاجرین به ایران مشروط به تضمین حداقل حقوق شهروندان وتامین آزادی‌های اولیه وتدابیر ضرور برای بهبود وضع اقتصادی کشور و قطع خودسری‌های حکومت‌های کوچک در درون حکومت مستبد وپرهرج ومرج فقاهت ورژیم فقها نتوانسته ونخواسته که شایسته چنین جسارتی باشد.

مجاهدین خلق

سکوت و جنجال

بقیه از صفحه ۳

در حالیکه "بولتن خبری" از اطلاعات در مورد فتوحات مجاهدین انباشته شده است.

مجاهدین خلق در مؤاردی دست به مظلوم‌نمائی میزنند و میگویند ما در خاک عراق مستقریم و چاره‌ای جز سکوت در مقابل سیاستهای رژیم عراق نداریم. باید گفت وضعیت بوجود آمده محصول سیاست‌ها و تصمیمات مجاهدین خلق بوده است نه دیگران.

این گونه برخوردها موجب میشود که ظن مربوط به همکاری مجاهدین با نیروهای صدام در سرکوب مردم عراق تقویت شود. گرچه مجاهدین بارها این امر را تکذیب کرده‌اند ولی با تکذیب نمیتوان سئوالات متعددی را که در ذهن مردم نسبت به سیاستهای مجاهدین وموقعیت فعلی آن وجود دارد، پاک کرد و نمی‌توان مردم را با گفتن اینکه ما در امور داخلی عراق دخالت نمی‌کنیم، قانع کرد. موضع‌گیری نسبت باین رویدادهای مهم به هیچ‌وجه بمعنی دخالت در امور کشور نمی‌تواند باشد.

صدام حسین حکومت ترور وسرکوب را در عراق مستقر کرده است. صدام برای عملی کردن اهداف تجاوزگرانه خود، منطقه را به آتش کشید و موجبات بمباران‌های گسترده آمریکا ومتحدین آن و بالنتیجه کشتار وسیع مردم عراق را فراهم ساخت. هم‌اکنون عراق به کشوری ویران وبا بحران اقتصادی عمیق، تعهدات بین‌المللی و قرض‌های کلان تبدیل شده است. این همه محصول سیاستهای صدام است. کارنامه رژیم صدام تماما سیاه است.

سازمان مجاهدین. در پرتو وتحت حمایت چنین رژیمی به فعالیت می‌پردازد. فعالیت در چنین شرایطی همراه خود الزامات و مشکلات بیشماری را بوجود میاورد که مجاهدین هرچقدر هم بخواهند سیاست بازی کنند نمی‌توانند از آن رهایی یابند. عدم موضع‌گیری نسبت به اشغال کویت، جنبش توده‌ای در عراق وکشتار مردم کرد توسط صدام به درجاتی ناشی از رابطه مجاهدین با رژیم صدام است.

سازمان مجاهدین با استقرار عمده توای خود در عراق، تشکیل ارتش و استقرار آن در خاک عراق با هدف حمله به ایران ومغلوب کردن توای نظامی جمهوری اسلامی، عدم موضع‌گیری در رابطه با سیاست‌های تجاوزکارانه و جنایت‌کارانه صدام موجب شده است که تا حدودی وضعیت مجاهدین با وضعیت وسرنوشت رژیم صدام ارتباط پیدا کند. این امر پیامدهای اسفباری را برای مجاهدین بوجود آورده است.

مردم عراق نسبت بکسانی که تحت حمایت صدام قرار دارند به‌چشم بی‌تفاوت نگاه نمی‌کنند. بی‌شک نفرت مردم از صدام، حمایت شوندگان آن را در برگرفته است. این امر در مورد مردم ایران و جهانیان نیز بدرجاتی صادق است. مجاهدین هرچقدر هم بکوشند نمی‌توانند از این مسئله رهائی یابند.

تجربه نشان داد استراتژی که سازمان مجاهدین خلق برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی اتخاذ کرده‌اند تاکنون کارساز نبوده ونتایج اسفباری را بوجود آورده است. حمله مجاهدین خلق به قصر شیرین در سال ۱۳۶۷ با شکست مواجه شد. درحالیکه رژیم جمهوری اسلامی در آنموقع قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد را پذیرفته بود و براثر تداوم جنگ ایران وعراق در موقعیت ضعیفی قرار داشت.

دیکتاتورها در شرایط کنونی جهان باسرنوشت شومی مواجه هستند. رژیم‌های دیکتاتور یکی پس از دیگری سرنگون میشوند. صدام حسین با این کارنامه سیاه نمی‌تواند از انتقام مردم عراق بگریزد. دیر یا زود بساط دیکتاتوری صدام برچیده خواهد شد. مجاهدین با وضعیتی که برای خود ساخته‌اند و با سیاست‌هائی که در پیش گرفته‌اند تاکنون لطمات زیادی را متحمل شده‌اند. بدون شک اگر این وضعیت وسیاست مجاهدین نسبت به صدام ادامه یابد با سرنوشت شومتری روبرو خواهند شد.

این مسائل در مقاطع مختلف توسط سازمان ما وسایر سازمانهای سیاسی مطرح شده است. ولی مجاهدین عکس‌العمل تندی نسبت بآن نشان داده‌اند و شروع به ناسزاگوئی کرده‌اند. اشغال کویت و جنگ خلیج وسرکوب جنبش توده‌ای مردم عراق توسط صدام بار دیگر شرایطی را فراهم آورد که سیاست‌های مجاهدین خلق به محک بخورد. مجاهدین خلق باید ازاین تجربیات تلخ درس بیاموزند و قاطعانه تصمیم بگیرند که نیروهای خود را از عراق بیرون بکشند. در این راستا اگر هم اینک نیز جلو ضرر گرفته شود باز بنفع سازمان مجاهدین خلق خواهد بود.

www.iran-archive.com

روزنامه‌نگاران وسانسور

چندی پیش در موسسه کیهان تحقیقی در مورد وضع مطبوعات صورت گرفت و پرسشنامه‌ای در اختیار ۵۰ تن از کادر تحریری نشریات وابسته به این موسسه قرار گرفت. پرسش شوندگان، شامل ۱۸ زن و ۳۲ مرد بوده‌اند. این عده روزنامه نگار دارای مدرک فوق لیسانس در رشته‌های روزنامه نگاری و علوم ارتباطات تا دانشجویان دوره لیسانس را شامل می‌شده‌اند. ۲۶ نفر از پاسخگویان گفته‌اند عوامل سیاسی و وجود سانسور مهمترین نقش و تاثیر را در خبرنویسی دارد. در ارتباط با مقاله نویسی هم ۲۰ نفر از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که عوامل سیاسی و وجود سانسور مهمترین تاثیر را در مقاله نویسی دارد. سایر روزنامه‌نگاران از عوامل تخصصی، حرفه‌ای، اجتماعی و سایر عوامل نام برده‌اند. در ارتباط با دلیل تاثیر مستقیم عوامل سیاسی وسانسور بر کار خبر نویسی و گزارش نویسی ۴۰ درصد اظهار داشته‌اند که دلیل وجود سانسور جهت دادن سیاست‌ها و اخبار توسط دولت است. ۸ درصد گفته‌اند وجود سانسور به دلیل آن است که مطبوعات در جامعه نقش مستقلی ندارند.

آثار تاریخی اصفهان در معرض ویرانی

بناهای تاریخی اصفهان که جزو مشهورترین و زیباترین آثار تاریخی و معماری ایران هستند- بر اثر عدم مراقبت‌های لازم رو به ویرانی می‌روند. از جمله بناهایی که با خطر ویرانی روبرو هستند، باید از عمارت عالی قاپو نام برد. این عمارت در قرن یازدهم هجری بنا شده است و اکنون بسیاری از شیشه‌های طبقات شش‌گانه آن شکسته، دیوارها ترک برداشته و کلمات یادگاری بازدید کنندگان بر آنها نقش بسته است. طبقه سوم عمارت و ایوان زیبای آن مبدل به انبار تیرآهن و مصالح ساختمانی شده است که ظاهرا برای تعمیر بنا آورده‌اند و مدتهاست به حال خود رها کرده‌اند. مسجد شاه که پس از انقلاب به مسجد امام تغییر نام پیدا کرد و در ضلع جنوبی میدان نقش جهان (میدان امام) قرار دارد نیز در اثر باد و باران و سایر عوامل طبیعی دچار تخریب شده و کاشی‌کاریهای زیبا وبا ارزش گنبد اصلی به شدت صدمه‌دیده است. سایر بناهای تاریخی اصفهان نیز وضع مشابهی دارند.

حفاظت از این بناها به عهده سازمان میراث فرهنگی است که عملا کاری در این جهت انجام نمی‌دهد. گفتنی است که بسیاری از این بناها فاقد نگهبان، تابلوهای راهنما برای بازدید کنندگان و راهنما است.

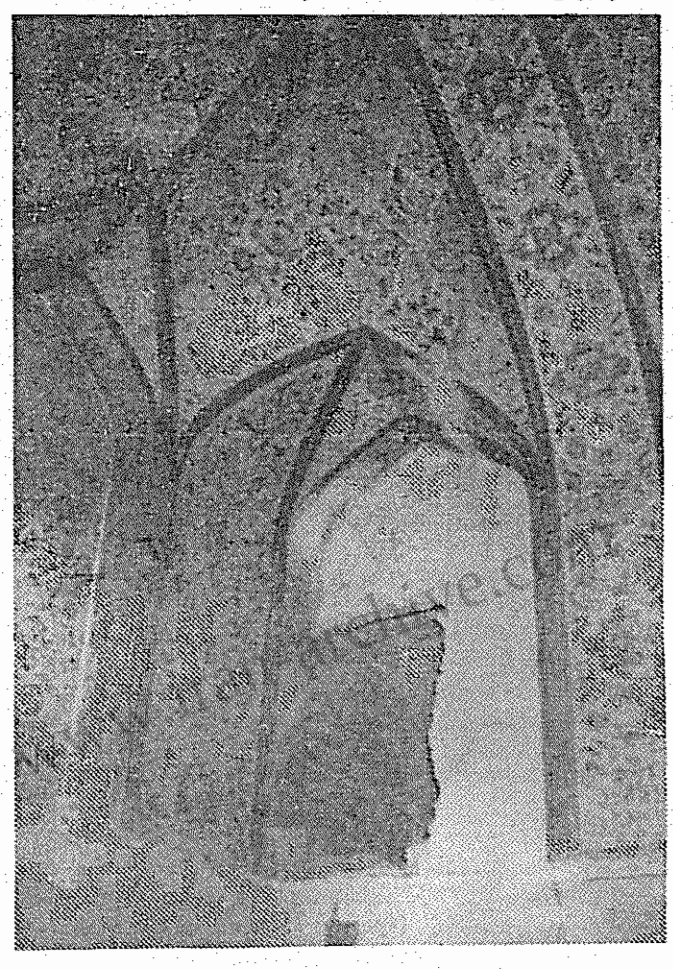

دیوارهای عمارت عالی قاپو که به علت عدم توجه تخریب شده است

جنگ اقتصادی امریکا و ژاپن

ترجمه از روزنامه کارسوئد

جدال بین آمریکا و ژاپن بر سر آقایی در اقتصاد دنیا بالا می‌گیرد. وقتی شرکت میتسوبیشی مرکز بزرگ راکفلر را در وسطنیویورک خرید، کاسه صبر آمریکا لبریز شد. وسایل ارتباط جمعی و سیاستمداران شروع به حاد نمودن اوضاع کردند و گفتند: "ژاپنی‌ها حمله را شروع کرده‌اند" و تقاضای چاره‌جویی و مقابله شدید و موثر علیه سیاست ناپیدای اقتصادی ژاپن نمودند. اما حقیقت چنین است که مقصر خود آمریکاست و دلیل آن این است که آمریکا. در دوئل بر سر آقایی در اقتصاد دنیا، در موضع دفاعی قرار گرفته است.

تاکنون آمریکا رتبه اول را در اقتصاد دنیا داشته است و هنوز هیچ کشور دیگری از جهت تولید نسبت به جمعیت از آن بالاتر نیست. اما ژاپن در مدت زمانی کوتاه بطور موثری فاصله‌اش را با آمریکا کم کرده است. بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۷ سهم آمریکا از تجارت بین المللی در کل جهان ۳ درصد کاهش یافته در صورتیکه سهم ژاپن اضافه شده است.

مهم‌ترین مسئله برای آمریکائی‌ها صدور تکنولوژی پیش رفته است. صدور تکنولوژی پیشرفته بین سالهای ۱۹۸۵ - ۱۹۷۵ ثابت بوده است (۲۴%) سهم ژاپن در صدور تکنولوژی پیش‌رفته در همین فاصله زمانی از ۱۱% به ۱۹% رسیده است. تا پنج سال پیش در لیست بانک‌های بزرگ جهان فقط نام بانک‌های آمریکائی به چشم می‌خورد ولی امروز در لیست ۵ بانک اول دنیا نام بانک‌های ژاپنی نیز هست. از دیگر موارد، سرمایه‌گذاری خارجی است. سرمایه گذاری آمریکا در کشورهای خارجی بین سال‌های ۱۹۸۸ - ۱۹۷۲ حدود هفت دهم درصد کاسته شده است در صورتیکه سرمایه‌گذاری خارجی‌ها در آمریکا (و به مقدار زیادی توسط ژاپنی‌ها) حدود ۵/۵% افزایش یافته است.

جدی‌ترین مسئله که اخیرا در یک گزارش در آمریکا انعکاس یافته است این است که شرکت‌های آمریکائی، دیگر هدایت کنندگان توسعه تولیدات نه تنها در دنیا بلکه در میان خود مصرف کنندگان آمریکائی هم نیستند.

ناامیدی آمریکائی‌ها تا حد زیادی مربوط می‌شود به کسری موازنه تجارت بین آمریکا و ژاپن به ضرر آمریکا (بدین معنی که آمریکا مقدار زیادی کالا از ژاپن وارد می‌کند و مقدار کمی کالا به ژاپن صادر می‌کند، لذا آمریکا در مجموع به ژاپن مقروض می‌شود)

سیاستمداران و وسایل ارتباط جمعی خواستار انجام حرکاتی جهت دفاع از اقتصاد آمریکا هستند... آمریکائیها تمدید به جلوگیری از ورودبرخی از کالاهای ژاپنی از جمله ماشین و قطعات کامپیوتر (Chips Data) کرده‌اند. این تمدیدات در صورتی به اجرا در خواهد آمد که تقاضای آمریکا مورد قبول ژاپن واقع نشود.

ترجمه: سهیل مرادی

از میان جراید

آیت‌الله مکارم شیرازی:

از همه عجیب‌تر و مضحک‌تر وضع "بعضی" از گروه‌های مجاهدان اسلامی افغان بود که ناگهان تغییر موضع دادند و از "جبهات قتال" و جنگ با "دشمنان اسلام" چشم پوشیده، دوان دوان راهی عربستان شدند تا دوش به دوش "کفار" برای حفظ منافع آنها "جهاد"! کنند. مطلب به قدری شور بود که جمعی ازجوانان رزمنده از فرودگاهی در پاکستان که می‌بایست از آنجا به عربستان بروند فرار کرده و از شرکت در چنین برنامه‌ای سرباز زدند. بسوزد دلارهای نفتی که انسان برای وصول به آن چه‌ها که نمی‌کند.

اطلاعات

صادق خلخالی (با اشاره به نامه رئیس مجلس به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)

حضرت آیت‌الله آقای کروبی زجر کشیده و حرمان دیده است که از یک طرف کتک شریعتمداری و از طرف دیگر داغ ساواک را به دوش دارد. ایشان مطالبی را در جواب نامه جامعه مدرسین بیان فرموده است که الحق نمی‌شود گفت یک نامه بلکه منشوری است که در تاریخ درخشان جمهوری اسلامی ایران متبلور است.

اطلاعات

حجت‌الاسلام رحیمیان قائم مقام بنیاد شهید:

احیاء ارزش و فرهنگ شهادت در جامعه از این پس محور اصلی فعالیت‌های بنیاد شهید انقلاب اسلامی را در بر خواهد گرفت و ساختار این نهاد متناسب با اهداف جدید سازماندهی خواهد شد.

کیهان

جلال رفیع "سفرنامه نویس":

به قول آقای حمید سبزواری، شاعر گرانقدر انقلاب، حضرت امام را بنای سرودن و شعر گفتن نبوده است، اما همین فزلیاتی که گاهی سروده‌اند وبه اصرار فرزندان و ارادتمندان ثبت کرده‌اند، نشان می‌دهد که اگر بنا براین می‌بود، امام رضوان الله علیه پشت حافظ شیرین سخن را به خاک می‌رساند!...

اطلاعات

مسئله اصلی در سیاست

"در سیاست، همچنانکه در زندگی، مساله اصلی این است که بدانیم در هر موردی کجا مرز بکشیم: به عنوان نمونه بین تداوم و تحول، آزادی واعمال قدرت، اخلاق و مصلحت."

ماریون گرفین دونهوف، نویسنده وروزنامه‌نگار آلمانی

ادامه نده، تو بردی!

صحنه اول:

یک انگلیسی مبادی آداب و یک کابوی آمریکائی در کافه مشغول خوش و بشند. آمریکائی به انگلیسی پیشنهاد می‌کند برسر اینکه چه کسی می‌تواند دروغ بزرگتری بگوید شرطبندی کنند. طرف می‌پذیرد و آمریکائی شروع می‌کند:

یک جنتلمن آمریکائی بود که...

انگلیسی با همه آداب دانی‌اش طاقت نمی‌آورد و وسط حرفش می‌دود:

- چه گفتی؟ آمریکائی جنتلمن؟ ادامه نده تو بردی!

صحنه دوم:

ارباب عمائم گوش تاگوش نشسته‌اند و رفسنجانی مشغول نطق برای حضرات روحانیون استان خراسان است:

انقلاب اسلامی بدون ابتلا به دیکتاتوری مسیر اولیه خود را دنبال میگ ... فیوز می‌پرد. ظاهرا در مسیر بلندگو شدت جریان خیلی بالا رفته است. همه جا خاموش می‌شود و بقیه فرمایشات ریاست جمهوری قابل شنیدن نیست.

صحنه سوم:

طبقه هفتم جهنم است. هرم آتش آنچنان تند است که پنداری چاه‌های نفت آن دیار راهم صدام و بوش آتش زده‌اند. گوبلز در گوشه‌ای کز کرده و تلاش می‌کند خودش را از گرما محفوظ نگهدارد. کلافه شده است. لباسش را در می‌آورد و مشغول دور کردن مار و عقرب و رتیل از تن و بدنش می‌شود. ناگهان گوشش تیز می‌شود و دست از کار می‌کشد. چند بار "سبحان الله" می‌گوید و با خودش غرولند می‌کند: چه شنیدم؟ جمهوری اسلامی بدون دیکتاتوری؟ ناگهان با لبخندی در گوشه لب بانگ برمی‌دارد:

برادر اکبر! ادامه نده، تو بردی!

احمد زمانپور

چنین کنند بزرگان ...

رونالدو نانسی ریگان وقتی که به ارباب و خانم کاخ سفید بدل شدند، چنان دم از دین و مذهب زدند که انگار با خمینی رقابت می‌کنند، دعای صبحگاهی را در مدارس اجباری کردند، بر رونق کار کلیساها و کشیش‌های تلویزیونی افزودند وکلیسا را به عنوان یکی از ارکان ریگانیسم، به عنوان یکی از شکلهای بروز محافظه‌کاری جدید اعلام نمودند. یکی از شعارهای انتخاباتی آنها مبارزه با مواد مخدر بود. هفته گذشته کتابی در آمریکا انتشار یافت که فاش می‌کند اینان خود در خلوت چه می‌کرده‌اند و چه پیشینه‌ای دارند. کتاب در توصیف زندگی نانسی ریگان است و "زندگی نامه غیر رسمی نانسی" نام دارد.

این کتاب به قلم خبرنگاری به نام کتی کلی است که در روز اول ورود خود به بازار ۶۰۰۰۰۰ نسخه به فروش رفت. کتی کلی تحقیق مفصلی از منابع دست اول در مورد خانم وآقای ریگان به عمل آورده و از جمله فاش می‌سازد که روابط خصوصی نانسی ریگان در دهه شصت با فرانک سیناترا شومن و خواننده مشهورو در محافل سیاسی - مافیایی ذینفوذ آمریکایی تا چه حد پیش رفته بوده، ریگان روی چه حساب با نانسی ازدواج کرده و... در کتاب شرح مفصلی هم داده شده است در مورد ماری جوانا کشی خانم وآقای ریگان. کتاب کتی کلی شرح زنده است در مورد رهبری آمریکا و پرچمداران "آزادی ونظم نوین".

انتصاب!

مهرداد کوکبی دانشجوی حزب‌الهی که به جرم آتش زدن یک کتابفروشی در لندن در زندان به‌سر می‌برد، پس از آزادی و بازگشت به ایران، یک‌شبه دکتر شد. پیش‌از آن نیز برادر شمعخانی از فرماندهان سپاه - که شایع است فن شنا را بلد نیست - یک‌شبه دریادار شده بود. پیش‌تر از آن نیز حجت‌الاسلام خامنه‌ای که توسط خمینی به عدم درک ولایت فقیه متهم بود - باز در عرض یک شب، به مقام آیت‌الهی و ولایت فقیهی رسیده بود.

به نقل از "جرایدغیبی"

حال که کار بر این منوال است، ما نیز از فرصت استفاده نموده و در یکی از این شبهای ماه مبارک، خود را به مقام شامخ استوانه بزرگ اسلام منصوب فرمودیم واینک نخستین فتوای خود را به شرح زیر مرقوم می‌داریم:

برهمه جوانان مومن ومسلمان مقیم خارج از کشور فرض است که برادر دکتر کوکبی را نصب‌العین قرار داده و با به آتش کشیدن کتابفروشی‌ها وسایر اعمال انقلابی کفرستیز، زندانهای دولت سابقا نامرد انگلیس را به اشغال خود در آورده، در اسرع وقت، مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد و مافوقات آنرا دریافت و به میهن اسلامی مراجعت نمایند، انشاءالله برادر رفسنجانی دیگر مجبور نباشد این قدر ناز متخصصین فراری ضدانقلابی را بکشد. والسلام.

الاحقر. حاج خوش‌خیال استوانه‌ای

۲۵ رمضان سنه ۱۳ انقلاب اسلامی

هدایا! را دریابیم

بعضا مشاهده می‌شود که معدودی ازمسئولان در سفر به نقاط مختلف داخل یا خارج از کشور گونیهای متعدد اسکناس ... ریالی همراه می‌برند و بذل و بخششهای گوناگون انجام می‌دهند. این بذل و بخششها یاهدایا به میزبانان رسمی آنها در استانها و... نیز سرایت کرده است و گاهی قالیچه و گاهی میگو و گاهی... به رسم کادو به همراهان مسئول سفر کرده تقدیم می‌گردد.

خبرنگاران و عکاسان نیز از این هدایا! مصون نیستند و این معضل‌ها را برای مطبوعات و رسانه‌ها به وجود آورده است زیرا آهسته آهسته خبرنگاران گرایش به سفر با این مسئولین خاص را پیداکردهو وظیفه و رسالت خبرنگاری خود را از یاد می‌برند و بیشتر به هدایا فکر می‌کنند تا گزارش واقعی از سفر.

اینکه بذل و بخشش به این صورت از بیت‌المال جایز است یا خیر مسئله دیگری است، اگر بگوییم خلاف شرع هم نیست چرا از کانالهای رسمی خود صورت نمی‌گیرد تا جلوی شائبه‌های سیاسی ومالی گرفته شود؟ ضمنا دادن و گرفتن هدیه توسط مسئولین دولتی در هر کشوری مقرراتی دارد، چرا در جمهوری اسلامی چنین مقرراتی وضع نمی‌شود؟

مشکل دیگر گرفتن هدیه در خارج از کشور است که در برخی موارد چهره زشتی ازنظام ترسیم کرده است و این مورد هرچه زودتر باید قانونمند شود ومسئولین حق نداشته باشند طی سفرهای خارجی خود هدیه‌هایی را که شائبه رشوه دارد یا قیمت آن از حدی بالاتر است از شرکتها یا دستگاههای خارجی دریافت دارند.

رسالت ۵ فروردین ۱۳۷۵

جشن بیستمین سالگرد جنبش فدائیان در آلمان

جشن بیست سالگی جنبش فدائیان با شکوه تمام و با حضور جمع کثیری از ایرانیان برگزار شد.

شهر ترو یزدورف آلمان عصر روز ۱۶ فروردین شاهد برگزاری باشکوه جشن بیستمین سالگرد جنبش فدائیان بود. ستاد برگزاری جشن از سوی تشکیلات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آلمان با انتشار پوستر زیبایی که در آن پرچم سه رنگ ایران با کبوتر صلح و اعلان ۲۰ سالگی فدائیان پیوند خورده بود، از هم میهنان ساکن آلمان و دوستداران آزادی وعدالت در ایران برای شرکت در جشن مزبور دعوت بعمل آورده بود.

انبوه شرکت کنندگان در این جشن که تعدادشان تا دو هزار نفر نیز تخمین زده شده است، گردآمدند تا یاد دلاورانی را که پرچم خونین فدائیان را برافراشتند و همه آنهایی را که تا امروز آن را در اهتزاز نگهداشته‌اند، گرامی بدارند. جشن حول دو شعار "بیستمین سالگرد جنبش فدائیان را هرچه با شکوه‌تر برگزار کنیم" و "در بیستمین سالگرد جنبش فدائیان، یاد و رزم همه مبارزین راه آزادی و عدالت را گرامی داریم"، تدارک شده بود. سالن با شعارهایی چون "در راه آزادی و عدالت به پیش" و با تصاویر فدائیانی که در این سال های نبرد، جان بر سر آرمان خویش نهادند، تزئین شده بود. در دو سوی صحنه اصلی، تصاویر بزرگ رفقا بیژن جزنی و حمید اشرف به مثابه سمبل اندیشه و عمل بنیانگزاران جنبش فدائیان جای گرفته بود.

در آغاز جشن حاضرین در گرامیداشت یاد فدائیان شهید و همه شهدای راه آزادی یک دقیقه سکوت کردند و پس از قرائت پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و فراخوان شورا تحت عنوان "به یاری آوارگان کرد بشتابیم"، برنامه های هنری آغاز شد.

پیش‌تر توسط شورای مرکزی سازمان وستاد برگزاری جشن، از سایر سازمان های جنبش فدایی، برای برگزاری مشترک مراسم دعوت شده بود اما این دعوت به دلایل مختلف، در عمل بی پاسخ ماند.

در طول برنامه‌های هنری، خواننده شمیر عاشورپور و همچنین بهرخ، ظروفچی خواننده آذربایجانی وعاشیق دنیز با هنرنمایی‌های خویش جمعیت را به وجد آوردند. برنامه‌های هنری جشن از جمله رقص های محلی کودکان مورد استقبال شدید شرکت کنندگان در جشن قرار گفت.

در فواصل برنامه‌ها گویندگان، با قرائت متون کوتاه و اشعار زیبا، انسان، صلح، آزادی، پایمردی وشجاعت را ستودند. در دقایقی به پایان روز ششم آوریل، ۱۶ فروردین جشنش بیست سالگی جنبش فدائیان در میان شور وشوق نزدیک به دو هزار نفر، با آرزوی سعادت وپیروزی برای شرکت کنندگان وآزادی وشکوفایی برای ایران پایان یافت.

"هه‌ژار" ادیب برجسته کرد درگذشت

خبر یافتیم که شاعر و ادیب برجسته کرد، عبدالرحمن شرفکندی مشهور به "هه‌ژار" روز پنجشنبه دوم اسفندماه سال ۱۳۶۹ در سن هفتاد سالگی در تهران رخت از جهان بربست.

کاک "هه‌ژار" نیم قرن از حیات خود را در خدمت مبارزات حق‌طلبانه خلق کرد و شکوفائی فرهنگ کردی قرار داد و گنجینه ادبیات کرد را غنای فراوان بخشید. "هه‌ژار" با انتشار مجموعه اشعاری بنام "ئالەکوک" در سال ۱۳۲۵ بعنوان چهره‌ای درخشان در ادبیات خلق کرد درخشید و با خدمات برجسته ادبی وفرهنگی مستمر برای همیشه چون ستاره‌ای تابان در آسمان ادب و فرهنگ کرد باقی ماند.

"هه‌ژار" در میان مردم کردستان هم به "کاک هه‌ژار" و هم به‌استاد "هه‌ژار" مشهور است. این ادیب برجسته در عین ارائه کارهای ادبی سطح بالا، مهارت فراوانی در زمینه سرودن اشعار لطیف، مردمی و حقیقت جویانه عامه فهم داشت. توده‌های کرد، اشعار "کاک هه‌ژار" را در سرمزرعه و مرتع و در مبارزه علیه نیروهای سرکوبگر جنبش ملی کردستان زمزمه میکنند و روشنفکران و اندیشه‌ورزان خلق کرد از خدمات بزرگ استاد خود الهام میگیرند. "هه‌ژار" دهها اثر نوشته و ترجمه از زبان عربی و فارسی به‌کردی ارائه کرده که ترجمه "شرفنامه" بعنوان یک منبع اصیل تاریخی کردستان از فارسی به‌کردی در زمره این خدمات است.

"هه‌ژار" در همانحال به ادبیات زبان فارسی نیز خدمات بزرگی کرده که ترجمه ۵ جلد کتاب "تا نون" ابوعلی سینا برای اولین بار از عربی به فارسی از نمونه‌های این تلاش‌های برجسته است. در گذشت "کاک هه‌ژار" ضایعه بزرگی برای فرهنگ و ادبیات کردی وفارسی است.

ما درگذشت این ادیب پرآوازه را به همه فرهنگ دوستان، به آشنایان و دوستان ایشان ومخصوصا برادر ایشان دکتر سعید شرفکندی دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران تسلیت میگوئیم.

پنجاهمین سال خاموشی پروین اعتصامی

امسال پنجاهمین سالگرد درگذشت پروین اعتصامی شاعر پرآوازه ایران است. اشعار پروین اعتصامی آکنده از مضامین اجتماعی است. پروین از فقر وفلاکت جامعه، از جان کندن زحمتکشان رنج می‌برد و دردهای آنها را در اشعارش بازتاب می‌داد. اشعار پروین مالامال از روحیه آزادیخواهانه و عدالت جویانه و نفرت او از فقر و فلاکت است.

ای رنجبر

تا بدکی جان کَنَدن انـدر آفتاب ای رنجبر
ریختن از بهر نان از چهره آب ای رنجبر

زین همه خواری که بینی ز آفتاب وخاک وباد
چیست مزدت جز نکوهش یا عتاب ای رنجبر

از حقوق پایمـال خویشتن کَنَن پُرسشی
چند می‌ترسی ز هر خان و جناب ای رنجبر

جمله آنانرا که چون زالو مکندت خون بریز
وندران خون دست وپائی کُن خضاب ای رنجبر

دیو آز و خودپَرستی را بگیر و حبس کُـن
تاشود چهـر حقیقت بی‌حجـاب ای رنجبر

حاکم شرعی که بهر رشـوه فتـوئ می‌دهد
کی دهد عِرض فقیران را جواب ای رنجبر

آنکه خود را پاک می‌داند ز هر آلودگـی
می‌کند مردار خواری چون غراب ای رنجبر

کرکه اطفال تو بی‌شامند شبها باک نیست.
خواجه تبهو می‌کند هرشب کباب ای رنجبر

کرچّراغت را نبخشیده است گردون روشنـی
غم مخور، می‌تابد امشب ماهتاب ای رنجبر

در خور دانش امیـرانـنـد و فرزنـدانشـان
تو چه خواهی فهم کردن از کتاب ای رنجبر

مَردم آنانند کـز حُکـم و سیاست آگهنـد
کارگر کارش غم است و اضطراب ای رنجبر

هرکه پوشد جامهٔ نیکو بزرگ و لایق اوست
رو تو صدها وصله داری بر ثِیاب ای رنجبر

جامه‌ات شوخ است و رویت تیره رنگ از گَردوخاک
از تو می‌بایست کـنـدن اجتنـاب ای رنجبر

هرچـه بنویسند حُکّام اندرین محضر رواست
کس نخواهد خواستن زایشان حساب ای رنجبر

فرهنگنامه روز

ستون تازه "فرهنگنامه روز" در نشریه کار اختصاص به دادن اطلاعات پایه‌ای فرهنگنامه‌ای (انسیکلوپدیک) حول مقولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روز دارد.

گرجستان

در روز سه‌شنبه هفته گذشته (۹ آوریل ۱۹۹۱) جمهوری شوروی گرجستان رسما استقلال خود را اعلام و روند رسمی جدایی خود از اتحاد جماهیر شوروی را آغاز کرد. در پایان ماه گذشته در گرجستان در مورد جدایی از اتحاد شوروی یک همه‌پرسی صورت گرفت بیش از ۹۰ درصد شرکت کنندگان رای به استقلال دادند. شورای عالی جمهوری گرجستان برمبنای این همه‌پرسی در روز ۹ آوریل بیانیه استقلال گرجستان را با اکثریت مطلق آرا به تصویب رساند. در این بیانیه آمده است: "شورای عالی جمهوری گرجستان ... استقرار مجدد استقلال دولتی خود را برمبنای بیانیه استقلال ۲۶ ماه مه ۱۹۱۸ به همه جهانیان اعلام می‌کند" منظور از این "بیانیه استقلال" اعلام استقلال "جمهوری دموکراتیک گرجستان" از سوی دولت منشویکی آن هنگام این جمهوری است.

گرجستان دارای یک سابقه تاریخی طولانی است. گرجی‌ها علی‌رغم این که کمتر حاکم بر سرنوشت خویش بوده‌اند، همواره هویت ملی خود را حفظ کرده‌اند. در عصر باستان بخش غربی گرجستان زیر نفوذ یونانیان وبخش شرقی آن زیر نفوذ ایرانیان قرار داشته است. پس از لشکرکشی پمپیوس علیه پارتها (۶۷ پیش از میلاد) کل منطقه گرجستان زیر حاکمیت رم و بعدا بیزانس قرار گرفت. در نیمه اول قرن چهارم میلادی مسیحیت در گرجستان رخنه کرد. ابتدا فرقه مونوفیزیستها در گرجستان نفوذ داشتند، اما از قرن ششم کلیسای ارتدوکس قسطنطنیه دارای نفوذ برتر شد. در قرن هفتم گرجستان به تصرف اعراب درآمد. داود سوم معروف به "احیاکننده" (۱۰۸۹-۱۱۲۵) گرجستان را از نو مستقل کرد. در عهد گئورگ سوم (۱۱۵۶-۱۱۸۷) و دخترش تامار (۱۱۸۴-۱۲۱۳) بر وسعت قلمرو گرجستان افزوده شد واز دریای سیاه تا دریای خزر زیر حاکمیت گرجی‌ها قرار گرفت. در این دوران فرهنگ گرجی به اوج شکوفایی خود رسید، حمله مغولها و به دنبال آن لشکرکشی تیمورلنگ گرجستان را سوخته و ویران کرد. پس از فتح قسطنطنیه (استانبول فعلی) به‌دست ترکها به رهبری سلطان محمد فاتح (۱۴۵۳) گرجستان به سه امیرنشین تقسیم شد. در قرن ۱۶ روند تجزیه قلمرو گرجستان ادامه یافت. بخش غربی گرجستان وابسته به عثمانی و بخش شرقی آن وابسته به ایران شد. در این عصر بخشی از مردم گرجستان به دین اسلام گرویدند. در سال ۱۷۸۳ هراکلیوس یک شهریار گرجی با بستن قراردادی با کاتارینای دوم ملکه روس گرجستان را به منطقه تحت الحمایه روسها تبدیل کرد تا به این ترتیب در برابر ترکها مقاومت کرده باشد. از آغاز قرن ۱۹ گرجستان کاملا به یک استان روسیه تزاری تبدیل شد. مقاومتهایی که صورت گرفت (قیامهای ۱۸۰۴، ۱۸۱۲ و ۱۸۱۹) همه بی‌نتیجه ماندند. در سال ۱۸۱۱ کلیسای گرجستان زیر چتر کلیسای ارتدوکس روس قرار گرفت واستقلال خود را از دست داد. اصلاحات ارضی تزار فرموده در سال ۱۸۶۴ بیش از بقیه نقاط روسیه برای دهقانان گرجی فلاکت به‌بار آورد. فقر و فلاکت و شدتگیری مبارزات طبقاتی زمینه را برای رشد اندیشه‌های انقلابی فراهم ساخت. در انتخابات دوما مردم عمدتا نمایندگان سوسیال دموکرات را انتخاب می‌کردند. سوسیال دموکراتهای گرجی به رهبری چخیدزه پس از بروز انشعاب در حزب سوسیال دموکرات روسیه و تقسیم آن به دو جناح بلشویکی و منشویکی، عمدتا به جناح منشویکی گرایش داشتند.

پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ یک شورای ائتلافی به رهبری منشویکها اداره امور را در گرجستان به‌دست گرفت. دولت منشویکی در ماه مه ۱۹۱۸ استقلال گرجستان را اعلام کرد. آلمانی‌ها، ترکها و انگلیسی‌ها ازاین اقدام استقبال کرده وحمایت خود را از گرجستان مستقل اعلام نمودند. گرجستان به یک کانون مهم مبارزه علیه انقلاب اکتبر و دولت بلشویکی تبدیل شد. مردم گرجستان با رویه‌ای که دولت منشویکی در تفلیس پیش گرفته بود، مخالف بودند. مقاومت آنان باعث شد که دولت منشویکی با دولت مرکزی بلشویکی قراردادی را منعقد کند که براساس آن حکومت تفلیس پذیرفت رابطه خود را با ضدانقلاب و دولتهای خارجی قطع کند واز سرکوب بلشویکها دست بردارد. حزب کمونیست گرجستان در ماه مه ۱۹۲۰ سازمان خود را تشکیل داد وفعالیت علنی خود را آغاز نمود. در فوریه ۱۹۲۱ نیروهای ارتش سرخ با کمک بلشویک‌های گرجی گرجستان را به تصرف در آوردند. حکومت منشویکی کنار گذاشته شد و در ۲۵ فوریه ۱۹۲۱ برپایی جمهوری شوروی سوسیالیستی گرجستان اعلام شد.

از دسامبر ۱۹۲۲ تا دسامبر ۱۹۳۶ گرجستان همراه با ارمنستان و آذربایجان جزو جمهوری فدراتیو ماورا قفقاز بود. قانون اساسی ۱۹۳۶ این جمهوری فدراتیو را تقسیم کرد وگرجستان در قالب یک جمهوری شوروی درآمد.

جمهوری گرجستان از سمت غرب به دریای سیاه و از سمت جنوب به ترکیه پیوسته است. وسعت آن ۶۸۷۰۰ کیلومتر مربع است و دارای ۵/۲ میلیون سکنه است (آمار ۱۹۸۶). پایتخت گرجستان شهر تفلیس است. دیگر شهرهای بزرگ این جمهوری عبارتنداز کوتائیسی، روستاوی، باتومی، و سوخومی. براساس آمار ۱۹۷۶، ۶۸/۸ درصد جمعیت گرجستان گرجی، ۹ درصد ارمنی، ۷/۴ درصد روس، ۵/۱ درصد آذربایجانی، ۳/۲ درصد اوست، ۱/۹ درصد یونانی، ۱/۷ درصد آنجاز و ۲/۹ درصد ازملیتهای دیگر است. دو جمهوری خودمختار آژار و آنجاز و منطقه خودمختار اوست جنوبی جزو قلمرو جمهوری گرجستان قرار دارند.

آب و هوای گرجستان تقریبا همسان با شمال ایران است. محصولات اصلی کشاورزی گرجستان عبارتنداز چای (۱۹۸۴: ۵۷۷... تن در سال)، انگور و مرکبات، پرورش کرم ابریشم و ابریشم‌بافی در گرجستان سنت دیرینه دارد. گرجستان از نظر داشتن مواد کافی فلزی غنی است. نفت نیز به میزان کمی استخراج می‌شود. در مقیاس کل شوروی گرجستان به لحاظ رشد صنعتی و داشتن کارخانه در حد متوسط است. صنایع مصرفی و صنایع ماشین سازی و ذوب آهن و پالایشگاه گرجستان در حد تامین نسبی نیازهای داخلی جمهوری است. بحران اقتصادی در مقایسه با جمهوری روسیه کمتر عوارض خود را نشان داده ومردم کمتر برای تامین مواد غذایی و پوشاک در مضیقه‌اند.

زبان مردم گرجستان گرجی است که در میان زبانهای ناحیه قفقاز سنت ادبی دیرینه‌تری دارد. مردم گرجستان ناسیونالیستند و ناسیونالیسم‌شان ازجمله به صورت اعمال ستم بر اوستها شکل شوونیستی و پرخاشجویانه‌ای می‌یابد، هرچند که در میان گرجی‌ها در مقایسه با ارامنه وآذربایجانی‌ها سنت‌های دموکراتیک ریشه‌دارتر است.

ستم استالینیستی بر مردم گرجستان با نام سرگوارد شونیکدزه ولارنتی بریا گره می‌خورد. در سال ۱۹۷۲ شواردنادزه وزیر خارجه پیشین اتحاد شوروی رهبری حزب کمونیست گرجستان را به‌دست گرفت. در دوره او مبارزه وسیعی با فساد صورت گرفت. گفته می‌شود که ابتدا در گرجستان بر روی گلاسنوست و پروسترویکا آزمایش به‌عمل آمد. گرجی‌ها در آغاز سرجدایی از اتحاد شوروی را نداشتند. برخورد سرکوبگرانه لشکر تحت فرماندهی ژنرال ردیونوف با مردم در تفلیس در دو سال پیش اردوی ناسیونالیستها را تقویت کرد. رهبر کنونی حزب کمونیست گرجستان و دولت این جمهوری اسویاد گامزاچوردیا نام دارد. وی خود را سوسیال دموکرات می‌داند. رهبری او در گرجستان براساس سیستم فرماندهی فردی است. در زمینه دموکراسی سیاسی واجتماعی پیشرفت چشمگیری حاصل نشده و آزادی مطبوعات تابع همنوایی آنها با نیات ناسیونالیستی رهبری گرجستان است. خصوصی کردن بنگاههای دولتی، گشودن باب روابط تجاری با اروپای غربی و دعوت از سرمایه‌داران غرب برای سرمایه‌گذاری در جمهوری، درصدر برنامه‌های رهبری گرجستان قرار دارد.

دولت شوروی اعلام استقلال گرجستان را غیرقانونی اعلام کرده است. گرجی‌ها اما در جدایی از شوروی مصمند. گرایش جدایی‌طلبی در گرجستان اکنون دست کمی از شدت و ژرفای این گرایش در جمهوری‌های بالتیک ندارد.

www.iranarchive.com

چرا شعار انتخابات آزاد!

نوشته نوری دهکردی

گرچه امروزه هنوز در دوره رشد، تکوین فرهنگ و اندیشه، منش و روش سیاسی چپ دموکرات قرار داریم، ولی به دلائل مختلف، پیش و بیش از هر چیز بدلیل حدت مسائل سیاسی در جامعه‌ی ما و بحران سیاسی-اجتماعی‌ای که از پس از انقلاب بهمن هنوز موضوع روز است، بحث بر سر شعار سیاسی مرکزی چپ دموکرات، بالاگرفته است. من نیز به این دلیل و هم از این رو که روشن شدن تر مسائل مربوط به برنامه سیاسی را گامی اساسی در راه هم آوائی و هم سوئی جریانات پراکنده چپ دموکرات میدانم، چپی که در آن مشخصات سیاسی باید جایگزین مشخصات ایدئولوژیک گردد. این بحث را ضروری میدانم.

بالطبع هنگامیکه قرار بر تبیین شعار مرکزی چپ دموکرات برای دوره‌ای از مبارزه است، باید دید که کدام شعار با معیارهای ارزشی این چپ، با نیازهای آن در راستای دخالت فعال در روندهای سیاسی کشورمان، باموقعیت ووضع رژیم و نیروهای اپوزیسیون آن، با ذهنیت جامعه وروندهای واقعی و یا قابل پیش‌بینی در آن، با شرایط بین المللی، با سیاست ائتلافی این چپ و نیروهای مخاطب اجتماعی آن، خوانائی دارد. در بحث هائی که اینک صورت میگیرند، چندین نظر درباره شعار مرکزی کنونی چپ دموکرات طرح شده‌اند. عده‌ای کماکان شعار سرنگونی را درست می‌دانند، عده‌ای دیگر به عنوان بدیل شعار انتخابات آزاد و بازبرخی دیگر شعار ''آزادی و تجدد'' و یا ''آزادی و نان'' را طرح می‌کنند.

بنظر من شعار انتخابات آزاد، بمثابه شعاری مرحله‌ای و استراتژیک، با توجه به واقعیات امروز، درست‌ترین این شعارهااست و در زیر خواهم کوشید، این نظرم را استدلال کنم و سپس به دلائل مخالفت خودم با برخی نظرات دیگر خواهم پرداخت.

* * *

آنچه بدوا ضروری است، محک زدن شعارهای سیاسی مورد بحث با معیارهای ارزشی‌ای است، که در خطوط اصلی خود مورد توافق تمامی جریانات وابسته به چپ دموکرات اند.

یکی از این معیارها نفی تقدیس قهر و جایگزین کردن آن با خواست و تمایل به حل مسالمت آمیز معضلات و تناقضات اجتماعی است. زمانیکه این معیار ارزشی را در کنار ارزش‌های دیگری نظیر تعهد به نوع دوستی، نفی فرهنگ قهر و خشونت و قصاص، تاکید بر اصل مرجعیت مردم، دفاع از حقوق دمکراتیک دیگر اندیشان و مخالفان قرار دهیم، می‌بینیم که این معیارها ما را به سمت شعار سرنگونی هدایت نمی‌کنند. چراکه این شعار اولاً مترادف با، اگر نه حتی مطلق کردن، بل حداقل پر بها دادن، به عنصر قهر است. دوماً کنار گذاشتن بخشی از نیروهای اجتماعی را که اکنون حاکمیت را از آن خود می‌پندارند، از زندگی سیاسی جامعه و سرکوب قهرآمیز آنان را در خود مستتر دارد و سوماً به این دلیل که قهر و شیوه‌های قهرآمیز مبارزه علیه قدرت حاکم، فرهنگ دموکراسی و مدارا را در جامعه نه تنها رشد نمی‌دهد، بلکه بشدت تضعیف می‌نماید و در شرایطی که فرهنگ دموکراسی تضعیف شود، سخن از استقرار دموکراسی پس از نفی قهر آمیز قدرت حاکم، بر بنیادهای بس ضعیفی استوار است.

مزید براین‌ها پذیرش این شعار برای چپ دموکرات این خطر را در خود می‌پروراند، که تمایز آن از چپ سنتی بسیار کمرنگ گردد. برای چپ سنتی اعمال قهر به معنی اعمال خشونت جزو معیارهای ارزشی بوده وهست. جنگ یا قیام مسلحانه تنها چشم‌اندازی بود، که این چپ برای بهبود شرایط زندگی توده‌های زحمتکش ارائه می‌داد. برای این چپ بدون درهم شکستن ماشین دولتی، هیچ چیز دست آمدنی نبود. هر چند که بعلت گستردگی ماشین دولتی و نقش مهم آن در تولید و باز تولید جامعه، این شعار کمرنگ‌تر گشت و جای خود را به درهم شکستن ارگان های سرکوب دولت سپرد، باز در جوهر خود، سرکوب قهرآمیز و خشونت بار بخشی از جامعه و تصرف مسلحانه قدرت، و حفظ مسلحانه آن را توسط بخشی دیگر، در مد نظر داشت.

البته چنین هدفی سازماندهی ویژه خود را نیز می‌طلبید، سازمانی از انقلابیون حرفه‌ای، کارآمد در فن مبارزه با پلیس سیاسی، منضبط و سازمان یافته از بالا به پائین و... که به نمونه ایرانیش عناصری از فرهنگ شیعه و عرفان، نظیر شهادت و ریاضت، نیز اضافه می‌شد. پدیده‌هائی که اینک تا اندازه‌ای می‌شناسیمشان و عواقبی که از زیر بار شان هنوز کمر راست نکرده‌ایم و پسامدهای دیگری که بعدا به آنها خواهم پرداخت.

از بین تمامی شعارهای بدیلی که عنوان گشته‌اند، شعار انتخابات آزاد با معیارهای ارزشی ما خوانائی بیشتری دارد. چراکه این شعار، پذیرش مسالمت در حل معضلات جامعه، اصل مرجعیت مردم و تعیین کننده بودن رای آنها و دفاع از حقوق دموکراتیک دیگر اندیشان و مخالفان را در خود مستتر دارد و در عین حال شعاری است اثباتی و مشخص که پذیرش آن شعور سیاسی بالائی را پیش شرط نمیخواهد.

اکنون باید دید که اگر این شعار با معیارهای ارزشی ما خوانائی دارد، با دیگر ملزومات طرح یک شعار سیاسی نیز سازگار است یا خیر؟

اولین سئوالی که به هنگام طرح این شعار به ذهن خطور می‌کند، عدم خوانائی آن با قساوت و خشونت کم مانندی است که رژیم جمهوری اسلامی آن را نمایندگی می‌کند. این واقعیت در نگاه اول طرح شعار انتخابات آزاد را بمثابه شعاری مرحله‌ای بی‌مورد می‌نمایاند. ولی توجه دقیق‌تر به وضع رژیم، معضلات و تناقض‌های بنیادین آن، جز این را نشان می‌دهد. زیرا:

۱- این رژیم محصول یک انقلاب توده‌ای است که یکی از شعارهای اصلی آن آزادی بود. هر چند رژیم توانست با برجسته کردن جنبه‌های عدالت خواهانه انقلاب از یکسو و ایدئولوژی اسلامی از سوی دیگر و با پشتوانه آمریت خمینی، شعار آزادی را از محتوی خالی و بیرنگ سازد، ولی هیچگاه نتوانست آن را از ذهنیت جامعه شهروند طرد کند. تا بدانجا که حتی ولایت فقیه خمینی، آنگونه که در درس‌های نجف اش بیان شده بود، به کرسی ننشست و با مقولاتی چون مجلس، انتخابات و آرا مردم همراه گشت.

این یکی از تناقضات بنیادین رژیم جمهوری اسلامی است. ولایت فقیه براساس منطق ذاتی خویش با مجلس، انتخابات و حاکمیت مردم در تناقض قرار دارد. بنابراین انگشت گذاردن مدام براین تناقض، نقطه ضعفی اساسی برای رژیم و یکی از ابزارهای کارآمد مبارزه سیاسی است. این رژیم باید در موقعیتی قرار گیرد که به این تناقض پاسخ دهد، و قرار نمی‌گیرد مگر اینکه اپوزیسیون آن را با طرح شعار انتخابات آزاد و حاکمیت مردم و تبدیل این شعار به وزنه‌ای مهم در افکار عمومی جامعه، در مقابل این ضرورت قرار دهد. والابحث های درون حاکمیت از حد اعتراضات نیم‌بند کسانی چون اصفرزاده فراتر نمی‌رود. ولی همین قدر که کسی مثل آقای اصفرزاده به جهت گیری‌های متفاوت در درون حاکمیت در ارتباط با این تناقض بنیادین اشاره دارد، و حال، حتی اگر به این دلیل هم باشد مجلس تنها پایگاه جناح به اصطلاح رادیکال رژیم مانده است، اعتراف می‌کند که ''یک اندیشه ارتجاعی'' وجود دارد که ''معتقد است که حکومت الهی از بالا به پائین است و مردم نقشی ندارند'' (به نقل از انقلاب اسلامی شماره ۲۴۱)، به قدر کافی حساسیت مسئله و ضرورت دخالت فعال اپوزیسیون دموکرات در این کشاکش را نشان می‌دهد.

۲- رژیم جمهوری اسلامی هر چند بعنوان یک رژیم ایدئولوژیک به میدان آمد، که تحقق احکام اسلام و قرآن را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بود و معیار ایدئولوژیک در آن معیار تمام ارزشها بود، به ویژه پس از فتوای معروف خمینی، که مسئله قدرت سیاسی به معیار ارزش‌ها بدل گشت، روزبه روز بیشتر از چنین هدفی دور می‌شود. این دوری که زیر فشار واقعیت های خاکی تحمیل شده است، بنوبه خود زمینه ساز تناقضات متعدد دیگری است. هم به دلیل تفاسیر متفاوت از ایدئولوژی، هم به دلیل عدم خوانائی ایدئولوژی در کلیت خویش با واقعیات وضروریات و هم به دلیل دوری بیش از پیش حاملین اصلی این ایدئولوژی، یعنی روحانیت از حکومت که بعد به آن خواهم پرداخت.

۳- این رژیم هیچگاه از تضادهای حاد درونی بری نبوده است. آبشخور اصلی این کشاکشهای درونی، یعنی انعکاس تمایلات و خواست های نیروهای اجتماعی متفاوت در درون رژیم و منطق حذف حاکم بر ایدئولوژی جمهوری اسلامی اینک نیز به قوت خود باقی است. آنها خود از سه جناح ''رادیکال، اصلاح طلب و محافظه‌کار و یا چپ و راست و میانه'' حرف می‌زنند (حضرتی نماینده رشت، به نقل از انقلاب اسلامی در هجرت شماره ۲۴۰). هر چند بنظر میرسد که جناح چپ بازی اخیر را باخته است، باز دعوای میان ''اصلاح طلب ها'' و ''محافظه کارها'' باقی است و اگر آن هم به نفع یکی از این دو جناح به سرانجام رسد، باز مسئله فقط در راس قدرت حل شده است و نه در بدنه آن و این سه جناح، به دلیل شرایط عینی، هر بار مصداق و نمود دیگری خواهند یافت.

۴- نارضائی روزافزون لایه‌های بسیار گسترده‌ای از جامعه ما، هم به دلیل عدم وجود قانونیت و هم به دلیل تشدید روند تفقر، یکی از عوامل مهم ضعف رژیم و یکی از عوامل مهم درگیری‌های درونی آن است. این رژیم هنوز به جائی نرسیده است که در مقابل این نارضایی بی‌تفاوت بماند.

رژیم هر چند سپاه پاسدارانش را رسما وظیفه دار مقابله با افتشاشات درونی می‌نماید، ولی کماکان مجبور است، که پایگاه توده‌ای، هر چند کوچکتر شده خود را مد نظر داشته باشد. در این رابطه رژیم با معضل سخت سر دیگری روبروست. بخشی از این پایگاه، بخش بسیار قلیل آن، از قبل رژیم جمهوری اسلامی به ثروت های کلان رسیده است و بخش دیگر، یعنی بخش عظیم پایگاه توده‌ای رژیم، بشدت از روند تفقر در رنج است. و این هر دو سخنگویان خود را در هیات حاکمه دارند.

۵- بازسازی و خروج از بحران اقتصادی عمیق و گسترده‌ای که رژیم با آن روبرو است، خود معضلات دیگری برای رژیم فراهم می‌آورد.

رژیم برای غلبه بر بحران اقتصادی به متخصصین و نیروی کار کارآمد نیاز دارد، ولی سیاست های آن این نیرو را مرتبا فراری می‌دهد. حفظ این متخصصین در دو صورت ممکن است. یا پذیرش دخالت فعال آنها در تعیین سیاست ها که این دخالت به حیطه‌های تخصصی محدود نخواهد ماند و به عرصه سیاست کشیده خواهد شد، و یا آزاد گذاشتن اینان در بهره‌برداری از درآمدهای ناشی از تخصصشان و ایجاد یا پذیرش وجود عرصه‌های متنوعی از فرهنگ مصرفی و پذیرش عدم دخالت در زندگی و منش و رفتار خصوصی اینان. این هر دو کماکان از عمده رژیم خارج است. نتیجه اینکه این نیرو مرتبا به نسبت بیشتری به خارج از کشور روی می‌آورد و به نسبت بسیار کمتری از خارج به داخل باز میگردد.

معضل بکار افتادن سرمایه‌ای سرگردان در خرید و فروش و سوداگری و دوری آنها از تولید وضعیت نیز از همین دست است. این سرمایه‌ها تا زمانی که امنیت و قانونیت نباشد، جز در پروژه‌های کوتاه مدت، که عمدتا خصلت تجاری دارند، بکار نخواهند افتاد. و تازه اگر امنیتی نسبی برای سرمایه فراهم آید ولی این امنیت فاقد چشم انداز درازمدت باشد در آن صورت فشار به بازار ارزی برای تبدیل ریال به ارز و فراری دادن آن از کشور شدت خواهد گرفت.

با این دو ضعف بنیادین بزرگ، فساد بزرگ نیز افزوده می‌شود و این هر سه رژیم را در مقابله با بحران اقتصادی در وضعی شکننده قرار می‌دهد.

۶- فساد گسترده همراه با نشار و سرکوب، اعتماد به دین وبویژه به روحانیت را در جامعه بشدت متزلزل کرده است. بجرات میتوان گفت که در هیچ زمانی در تاریخ اخیر کشور ما مسئله دخالت آخوند و ملا در سیاست با چنین اپوزیسیون اجتماعی گسترده‌ای روبرو نبوده است. این واقعیت موجب گشته که نیروی اصلی حامل این رژیم، یعنی روحانیت شیعه، در درون خویش دچار تناقضات شدیدی گردد و بخش گسترده‌ای از آنان را از این حکومت واصولا از اندیشه حکومت روحانیون در جامعه، دورتر نماید. این قول از آقای منتظری به خامنه‌ای، که ''ملت، به من اعتماد دارد و نه به شما''، اگر درست باشد، بسیار گویا است. تشدید این روند، رژیم را در وضعی شکننده قرار میدهد. چرا که امکانات ارتباط زنده‌اش با مردم علیه آن عمل خواهند کرد.

۷- مسئله ارتباط با جهان خارج و بویژه غرب برای غلبه بر بحران اقتصادی نیز یکی دیگر از معضلات بنیادین این رژیم است. این رژیم تا زمانی میتواند نسبت به روندهای جهانی وافکار عمومی جهان بی‌اعتنا باشد، که بتواند کمابیش متکی به خود بوده و در بین نیروهای مختلف جهانی مانور کند. نزدیکی روزافزون به غرب، در شرایط ضعف شرق، این توان را از رژیم تا حد زیادی سلب می‌کند. شاید پذیرش قطعنامه محکومیت رژیم در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، توسط نماینده خود رژیم، پذیرش گالیندوپل در ایران ''..نشانه‌هائی از این عدم توانائی باشد''.

بنظر من نکات بالا نشانگر این واقعیت اند، که این رژیم علیرغم سرکوب و کشتار از لحاظ درونی ضعیف تر از آنست که جلوه می‌کند. البته من به جوانب دیگر ضعف رژیم، نظیر افتشاش در دستگاه دولتی، ناروشنی وظایف، تداخل مسئولیتها، اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان ''..نپرداختم، چون اینها را معضلات بنیادین نمی‌دانم و چراکه در همین شرایط هم حل شدنی هستند. این را نیز بگویم که من از ضعف استراتژیک رژیم صحبت می‌کنم و نه از ضعف مشخصی. زیرا ضعف مسئله نسبی است و یکی از عناصر تعیین کننده آن، مسئله ضعف یا قدرت اپوزیسیون است. البته زمانیکه اپوزیسیون نه بصورت یک بدیل سیاسی جدی وجود دارد و نه از نیروی اجتماعی چشمگیری برخوردارد، رژیم قدرتمند می‌نماید. بنابراین تعیین مشی سیاسی اپوزیسیون باید با توجه به این قدرت مشخص و ضعف استراتژیک تنظیم گردد.

در این رابطه است که شعار انتخابات آزاد، بمثابه شعاری بسیج گر و هدفمند میتواند در درازمدت و در صورت فراهم آمدن شرایط لازم دیگر، عملی نیز باشد.

البته آنچه در مورد وضع رژیم گفته شد، میتواند در استدلال درستی شعار سرنگونی نیز عنوان شود. ولی هم اینجاست که تعیین آگاهانه سیاست از جانب اپوزیسیون و بویژه چپ دموکرات و دخالت کنشی و نه تنها واکنشی آن در زندگی سیاسی جامعه‌مان اهمیت می‌یابد.

ولی پیش از پرداختن به این نکته ضروری میدانم اشاره‌ای نیز به شرایط بین المللی داشته باشم، زیرا درک روندهای اساسی جهانی و ملحوظ داشتن آنها را در تبیین شعار سیاسی مرکزی یک دوره از مبارزه ضروری میدانم. در این رابطه دو نکته حائز اهمیت بسیارند.

اولین نکته بنظر من روند نوین تقسیم کار جهانی است. این روند که بدنبال اهمیت یافتن بخش خدمات و تکنولوژی پیشرفته در کشورهای صنعتی آغاز گشت و با انقلاب صنعتی نوین شدت یافت، از اواخر سالهای شصت، مسئله ایجاد بازارهای متناسب و بعبارتی صنعتی شدن بدوی کشورهای پیرامونی را نیز در دستور قرار داد.

از همان زمان در بین طراحان استراتژیک غرب، در مورد چگونگی ایجاد این بازارها دو نظر اساسی متفاوت وجود داشته، که بطور ساده میتوان آنها را بصورت زیر بیان کرد. استراتژی مدرنیزاسیون از بالا و بکمک دولت های مقتدر و مستبد و در بسیاری موارد نظامی و یا استراتژی زمینه‌سازی پیشرفت صنعتی از راه رفرم‌های اجتماعی و نتیجتا تقویت دولت های کمابیش دموکراتیک.

در شرایط وجود جنگ سرد و رقابت دو بلوک شرق و غرب، استراتژی مدرنیزاسیون از بالا که بیشتر از جانب جناح‌های غالب آمریکائی و نیروهای محافظه‌کار دیگر کشورهای صنعتی دنبال می‌شد، بر استراتژی دوم که طراحانش عمدتا در بین الملل سوسیالیستی و حزب دموکرات آمریکا متشکل بودند، چیره بود. ولی بتدریج نقاط ضعف اساسی این سیاست، که عمدتا در پیدایش و شکل‌گیری الیگارشی‌هائی در کشورهای پیرامونی نمود می‌یافت، که بیش و پیش از هرچیز به کسب ثروت و سرمایه‌گذاری، نه در کشورهای خود، که در کشورهای صنعتی مشغول بودند، و تنش‌های اجتماعی ناشی از این سیاست، برملا گشت. سطح بالای قرضه‌های خارجی کشورهای پیرامونی و شدت یابی روند تفقر که این الیگارشی‌ها مسبب آن بودند، مسئله ایجاد بازارهای جدید را بشدت زیر سئوال برد.

در چنین شرایطی استراتژی بدیل، یعنی تکیه بر رفرم‌های اجتماعی و تقویت دولت های حامل این رفرم‌ها، بصورت یک روند اساسی، ولی پرپیچ و خم، برتری یافت و همین روند روی کار آمدن رژیم‌های نسبتا دموکراتیک را در بسیاری از کشورهای اصلی پیرامونی، تسهیل نمود.

با روی کار آمدن گارباچف در اتحاد شوروی و روندهای ناشی از آن و بلاموضوع شدن رقابت شرق و غرب و جنگ سرد، این نظریه به نظریه غالب در بین طراحان استراتژیک غرب تبدیل شده و در برجسته شدن توجه به امر حقوق بشر در کشورهای پیرامونی نمود خارجی یافته است.

نکته دوم حائز اهمیت تاثیر فروپاشی بلوک شرق و بلاموضوع شدن رقابت شرق و غرب بر رژیم‌های مستبد و ملت وجودی آنهاست. بدنبال این فروپاشی نه تنها رژیم‌های مستبد باصطلاح ضدکمونیست، که رژیم‌های مستبد به اصطلاح ضدامپریالیستی نیز، اهمیت و توجیه وجودی خود را از دست داده‌اند و نمیتوانند همچون گذشته روی پشتیبانی این یا آن بلوک قدرت حساب کنند.

این روند از یکسو موجب کاهش و در مواردی حتی فقدان پشتیبانی خارجی از جنبش‌های مسلحانه ترقیخواهانه گشته و از سوی دیگر امکان غلبه کمابیش مسالمت‌آمیز جنبش‌های مردمی بر رژیم‌های دیکتاتوری را فزونی بخشیده است.

آنچه در بالا بصورتی فشرده و ساده و بدون توجه به فراز و نشیب ها و پیچ و خم های بسیار، درباره روند سیاسی غالب در جهان آمد، امکان کنار زدن کمابیش مسالمت‌آمیز رژیم جمهوری اسلامی را بیشتر می‌کند. در این رابطه هر چند استقلال رژیم همواره باید مد نظر باشد، ولی تاکید بر این نکته نیز ضروری است که این استقلال با توجه به گسترش اجتناب ناپذیر روابط بین المللی رژیم برای غلبه بر مشکلات اقتصادی، ضرورت یافتن جایگاهی در تقسیم کار جهانی از یکسو و گسترش نقش ارتباطات و رسانه های همگانی عمومی و نتیجتا گسترش تاثیر افکار عمومی بر روندهای سیاسی، نسبی است و بهمان میزان که رژیم بیشتر از پیش از پیله خود بدر آید، کمتر میشود.

ادامه دارد

www.iran-archive.com

باخوانندگان

تشکر!

کارکنان نشریه کار، از همه دوستان، علاقمندان و خوانندگانی که با ارسال نامه و کارت، فرا رسیدن سال نو را به ما تبریک گفته بودند، صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایند و متقابلا سالی قرین با موفقیت و پیروزی برای همه آنها و تمامی خوانندگان آرزو می‌کنند.

توضیح و درخواست

از این شماره نشریه کار، صفحه‌ای خواهیم داشت مخصوص خوانندگان. این صفحه چنانکه از نام آن پیداست صفحه‌ای است متعلق به خوانندگان و محل درج پیشنهادات، انتقادات و نظراتی که از طریق نامه برای ما ارسال می‌شود. قصد ما این است که در این صفحه هیچ‌گونه سانسوری بر نامه‌های ارسالی نباشد و تندترین انتقادات نیز چنانچه شایسته یک نشریه با خط‌مشی دموکراتیک است ـ درج گردد. به غیر از مواردی که شامل حملات شخصی به افراد باشد، هیچ‌گونه محدودیت سیاسی در چاپ نامه‌ها نخواهد بود.

از خوانندگانی که برای ما نامه می‌نویسند موکدا درخواست می‌کنیم که خلاصه‌نویسی را رعایت کنند. به‌دلیل محدودیت جا سرویس "با خوانندگان" حق خلاصه کردن و انتخاب بخشهایی از نامه‌هایی را که مطول هستند برای خود محفوظ خواهد داشت. تجربه نشان داده است که بدون رعایت این موضوع، نشریه ما با صفحات محدود خود قادر نخواهد بود منعکس کننده همه نامه‌ها باشد. در انتخاب مطالب برای درج در نشریه، مفید بودن موضوع، کوتاه بودن آن، کیفیت مناسب و بالاخره تکراری نبودن مضامین در نظر گرفته خواهد شد. نامه‌هایی با مختصات فوق برای چاپ ارجحیت خواهند داشت.

برای تسهیل کار خوانندگانی را که برای ما نامه می‌نویسند، به رعایت نکات زیر دعوت میکنیم:

۱ـ نامه‌های خود را حتما با امضا برای ما ارسال نمائید، در صورت امکان برای نوشته خود نیز نامی انتخاب کنید.

۲ـ اسم و آدرس خود را علاوه بر پشت پاکت در پائین نامه نیز قید کنید.

۳ـ برای تسهیل کار دسته‌بندی و آرشیو، لطفا نامه‌های خود را روی کاغذ به قطع A4 برای ما ارسال دارید.

۴ـ برای ما امکان پس فرستادن مطالب رسیده وجود ندارد. در صورتی که به اصل مطلب خود احتیاج دارید، یک نسخه از فتوکپی آن را ارسال دارید.

باتشکر. سرویس با خوانندگان

دل باختگان چون به سخن بازآیند قاصد عشق شوند و گواهی بر آفاق

سالیان سال است که علیه ستم و نادانی در سنگرها نشسته و مبارزینی هستیم که همواره در خط اول پیکار بوده‌ایم. محک عشق سیاسی ما، گواهی بیست ساله دارد. هنوز بار و بندیل راه خود را از دوشمایمان پائین نگذاشته و گرد و خاک سالیان گذشته بر چهره‌هایمان به یادگار همراه است. در طول مسیر رسیدن مان به سر منزل مقصود، چه سختی‌ها و رنج‌ها که نکشیده‌ایم و چه بسا به دنبال همای سعادت ملت خود، هنوز هم که هنوز است در جهان سرگردانیم. ما جوانی خود را با مذلت آغاز نمودیم، نوجوانانی چشم و گوش بسته بودیم، ولی هر لحظه که بر ما گذشت، بر تلک شناخت ما نیز، سکه تجربه دیگری افزوده گشت. جمله ایرانیانی بودیم که پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک را آئین خود دانسته، خواستیم با کرداری نیک عمل کرده، پنداری در تطابق دانش خود داشته و گفتاری نشان زنیم که آزاده باشد. اما چه پاسخی شنیدیم؟ جنگ، سرکوب، دستگیری، شکنجه، اختناق، اعدام، ...

فاصلان که به جز نکبت و بدبختی، جهل وسیاه اندیشی، چیز دیگری به همراه نیاوردند، نونهالان باغ میهن را نیز خشکاندند که مبادا تنومندی اینان سایه افزونتری بر سیاهی آنان افکند. در این میان معدود کسانی نیز از ما قدم به اشتباه برداشته و فانوس دستانی شدند که به جای روشنائی راهشان، به تاریکی مطلق گرائیدند. امروز ما با چهره‌هائی شکسته، دل‌هائی چرکین از این سیاه اندیشان داریم، چرا که چون طناب داری در گردن به آنان آویخته بودیم. حال من ما، ما ما شده و یکی‌ها با چندها به شمارش آمده و دیگر قدمهایمان از سستی گذشته بدر آمده و راسخ‌تر در پیمودن آینده‌اند، چرا که اینبار "بلوغ فکری" این عرق جبین مبارزه را نیز به همراه خود داریم. حال دیگر شکی در انتخاب مسیر خود نداریم، چرا که روشنائی گواه آن بوده و تاریکی و تاریک‌اندیشان را با ما راهی نیست. پس بیائید، باردگر این چند پله باقی‌مانده به طلوع را نیز، به همراه بپیمائیم، چرا که: پیروزی از آن ماست!

فرهاد کشتمند

موضعتان را روشن کنید!

در بحبوبه جنگ خلیج در یک شماره نشریه‌اتان در رابطه با ذهنیت تفکر عربی راجع به پرتاپ موشک‌های عراقی به خاک اسرائیل و اظهار علاقه و خوشحالی ذهنیت عربی راجع به این موشک باران‌ها و ترجمه کوتاهی یا نقل کوتاهی از تفکر یک روزنامه‌نگار مصری (داشتید) که تا به حال این موشک‌های اسرائیل بوده است که اعراب را از بین برده است، جالا برعکس این موشک‌های عراقی است که مردم اسرائیل را از بین می‌برد و خوشحالی مردم عرب. این موضعگیری آیا همان ادامه دیدگاه تفکر عوامگرایانه (پوپولیستی) نیست؟ شما در تحلیل مرکزی سازمان موشک باران عراق را به خاک اسرائیل و مردم اسرائیل محکوم کردید ولی از طرف دیگر احساسات این مردم عرب را که خوشحال از این مقابله به مثل هستند درج می‌کنید بدون اینکه موضع قطعی خودتان را بیان کنید. شما با درج این نظرات و محکوم کردن همزمان این موشک باران، موضع لرزان ـ دوپهلو و به نفایت فرصت طلبانه خود را نشان داده‌اید. جنگ به مثابه راه‌حل مسایل اگر واقعی و جدی محکوم است، محکوم است متقابلا احساساتی و سطحی دیدن سرکوب متقابل و تایید آن. به عنوان آخرین کلام خیلی سنگین تر و درست‌تر می‌باشد که اعتراف کنید نمیدانیم چه موضعی بگیریم ...

از آخن ـ ۱۵ مارس

(متاسفانه نام نویسنده نامه فوق خوانا نبود)

*توضیح نشریه کار:

"موضع قطعی" ما در مورد جنگ خلیج فارس و موشک باران شهرها روشن است و تقریبا در تمامی شماره‌های نشریات ما بازتاب یافته است. اعتراض این خواننده عزیز ظاهرا متوجه درج مقاله‌ای در نشریه اکثریت است که به انعکاس احساسات و روحیات مردم عرب نسبت به موشک باران اسرائیل پرداخته است. ما چندین بار اعلام کرده‌ایم که خط مشی مطبوعاتی ما ـ به ویژه در مورد اخبار و رویدادها ـ این نیست که تنها به درج مطالبی اکتفا کنیم که با موضع ما هم خوانی داشته باشد: ما انعکاس رویدادهای جنگ و از جمله نظرات و روحیات مردم عرب را وظیفه خود می‌شناختیم و تا آنجا که امکاناتمان اجازه می‌داد به این وظیفه عمل کردیم.

● ● ●

پاسخهای کوتاه

* دوست عزیز فرهاد ـ از واحد بلیز: پیشنهادات و تذکرات شما در مورد دوره جدید انتشار نشریه کار را چنانکه ملاحظه می‌فرمائید بخشا عملی کرده‌ایم. برخی پیشنهادات نیز بتدریج و با جا افتادن بیشتر نشریه عملی خواهند شد. در مورد نواقص فنی نظیر افلاط چاپی و ... ما خود نیز به نقایص کار واقفیم و تا جایی که امکان پذیر باشد می‌کوشیم آنها را بر طرف سازیم. در این زمینه کمبود امکانات و نیروی انسانی بر کیفیت کار تاثیر نامطلوبی می‌گذارد. دوست عزیز، نامه‌های خود را برای هفته نامه کار به آدرسی که در نشریه درج می‌شود، ارسال کنید، به دست ما خواهد رسید. تقاضای شما در مورد ارسال نشریات قبلی در اختیار بخش توزیع قرار داده‌ایم و پیشنهاد شما در مورد طرح کار پایه تشکیلاتی را نیز در اختیار کمیسیون مربوطه قرار می‌دهیم.

*دوست گرامی باقر ـ م، تورنتو. نامه و تذکرات شما را برای رفقای شهر تورنتو خواهیم فرستاد. همراه با شما از کلیه دوستانی که به ترجمه مقالات و اعلامیه‌های سازمانی اقدام می‌کنند، می‌خواهیم که در این کار حداکثر دقت را رعایت نمایند.

*دوست ارجمند ـ علی. ترجمه مطلب "طرح صلح گالتون عقب نشینی و مذاکره" دریافت شد.

*دوست عزیز سهیل مرادی ـ سوئد. ۳ ترجمه به نام‌های کشورهای جدید صنعتی ـ جنگ داخلی آمریکا و ژاپن و گزارش مستندی از وضعیت داخلی آمریکا به دست ما رسید. ما کلیه ترجمه‌های رسیده را در اختیار واحد ترجمه قرار می‌دهیم.

*دوست ارجمند: م. رئیسی. نامه شما را برای رسیدگی در اختیار مسئولین مربوطه قرار دادیم.

نامه به دوست

دوست عزیز ...

بعد از سلام. ممنون به خاطر کتابی که فرستادی. می‌گویند: روزی گاوی در باغ وحش تنهایی می‌خندید. علتش را پرسیدند کاشف به عمل آمد که یکی از اهالی باغ وحش چند روز پیش لطیفه‌ای تعریف کرده و زبان بسته تازه معنی‌اش را فهمیده. حالا حکایت ماست که همیشه یک چند سالی ـ دست کم ـ از زمانه عقبیم. آن وقت که "موج سوم" درآمد حتی به صرافت ورق زدنش هم نیفتادم ـ آخر اسم تافلر "اوف" و "ایچ" نداشت و آدمی هم که اسمش بی "اوف" و "ایچ" باشد حرفی برای گفتن ندارد. بخصوص که آمریکایی هم باشد.

حالا کتاب را خواندم. فی‌الواقع چند ده صفحه اول را خواندم و باقی را بلعیدم. به گمانم این را از خدا بیامرز صمد بهرنگی خوانده باشم ـ شاید هم او از دیگری نقل کرده باشد ـ که هر کتابی به یکبار خواندنش نمی ارزد، چرا که کتاب زیاد است و عمر آدمی کم و انتخاب ناگزیر. با این منطق هم، کتاب تافلر ـ حداقل برای مثل من آدمی که سرش به تنش چسبیده و هر دفعه که می‌خواهد زاویه دیدش را عوض کند، مجبور است، مثل گراز تمام جثه‌اش را بچرخاند ـ به بیش از یک بار خواندنش میارزد. نه به این دلیل که انجیل تازه‌ایست که می‌تواند جانشین مجموعه آثار شود و ما را از گیجی بی‌خدایی نجات دهد. نه! دارم یاد میگیرم که آدم باشم و به قول آن رندآدینه، در هیچ "ایسمی" جانگیرم و هم به این خاطر است که کتاب تافلر ـ که از قضا او هم روزگاری مارکسیست بود ـ بر جانم مینشیند.

تافلر آدم جسوری است، شاید این جسارت هم مثل تکیه‌ای که به نقش نیروهای مولد دارد، ارثیه‌اش از مارکس باشد. درست است که وسعت دید مارکس و شاید هم سواد مارکس هم عصر خودش را ندارد و در پای یک روزنامه‌نگار آمریکایی را در سراسر کتابش و هم در تیترهای مشتری‌پسند فصول کتاب بجا گذاشته، اما همینکه از طرح سوالات بزرگ نمی‌ترسد و جرات می‌کند که سناریوی دنیای فردا را بنویسد، کافی است که من خود را تا سالها مدیون احساس کنم.

می‌توان با تئوری تافلر موافق نبود و باور نداشت که تاریخ بشر تنها دو انقلاب کشاورزی و صنعتی را پشت سر گذاشته و حالا در آستانه انقلاب الکترونیک قرار گرفته است، همین طور می‌توان با متدولوژی او در تدوین "موج سوم" مخالفت کرد. اما چه موافق تئوری و متدولوژی باشیم و چه مخالف آن، انبوه شواهدی که در این کتاب گردآوری شده، حداقل منظره دنیای امروز را در ذهن آدم جاندارتر کرده، من نوعی را وادار می‌کند که این دنیای پیچ در پیچ را همانگونه که هست ببیند و با ساده‌کردن‌های آنچنانی برای همیشه وداع کند.

دوست من: دلم می‌خواست راجع به هر فصل کتاب جداگانه بنویسم ولی چنین کاری در نامه‌ای به تو که کتاب را برایم فرستادی، مسخره است. اما اگر از من بپرسی که جالب‌ترین فصل کتاب کدام بود، به عنوان یک جنوبی متعصب خواهم گفت آنجا که رابطه الکترونیک و دنیای سوم را به بحث گذاشت. وقتی این فصل را می‌خواندم مثل مادری که به دیدن مسابقه پسرش رفته باشد، دلم تاپ تاپ می‌کرد. آیا ما جنوبی‌ها می‌توانیم بدون آنکه مراحل صنعتی شدن را مثل دنیای صنعتی امروز تک ـ تک طی کنیم، دستاوردهای امروزی علم و فن را و به طور مشخص‌تر کامپیوتر و الکترونیک را جذب کنیم؟ تافلر در این فصل به این سوال در مجموعه جواب مثبت داد.

چه می‌توان کرد؟ عمری است که با فال حافظ خو کرده‌ایم و حالا که از دیوان خواجه آبی گرم نمی‌شود، جواب مثبت تافلر به اینکه تمدن موج سوم به خلق و خوی من شرقی بیشتر سازگار است و می‌توانیم با حداقل بنیه صنعتی هم راهی عصر الکترونیک شویم، حداقل این فایده را دارد که انسان را امیدوار نگهدارد و آدمی به امید زنده است و از جمله به امید دیدار دوستان.

فربتی

گفت شیخا! وردخوب آورده‌ای

ماجرا از این قرار است: صدام کویت را گرفت و بوش به منطقه لشکر کشید، و بعد چنانکه افتد و دانی. جماعت "سیاسیون" مسابقه موضع‌گیری را آغاز کردند. رفسنجانی پس از مدتی گیج خوردن بالاخره به موضع حافظ اسد پیوست و با گفتن اینکه اول باید بهانه حضور آمریکائیها از بین برود، به لشکرکشی بوش ضحه گذاشت. در مقابل، محتشمی که حضرت امام از شامه تیزش تعریف‌ها کرده بود، بوی کباب شنید و برای "خالد بن ولید" هورا کشید. غافل از آنکه سر مهتر باشی عالم دارد جناب خالد را به جرم خریت زیادی داغ میکند.

صحنه مسابقه در اپوزیسیون هم گرم و پرشور بود. جماعت شاه‌الهی "فرش و نالش" پیشه کرد: فرید که ببینید ضرب شصت ارباب ما را! و نالید که رئیس، نوکر نوازی نمی‌کند و آخوند شپشو را بر ما که عمری خانه‌زادش بودیم ترجیح می‌دهد. در آن سو هم اصحاب کهف از خواب گران برخاستند و نغمه جنگ خلق‌های فلان و بهمان علیه امپریالیست ایضابهمان و فلان را سر دادند.

در این بین شورای مرکزی ما هم موضع‌اش را اعلام کرد. حساب شورا که اهل "سیاست" مشدد نیست، ساده بود: دزدی وارد قرنطینه خصوصی ارباب شد و ارباب که از پیش منتظر فرصتی بود که از خلائق نسق بگیرد، بهانه را یافت. پس محور کار بر باطل است و برای آنکه خون مردم بیگناه برزمین نریزد و ثروت‌های منطقه در آتش و طمع نسوزد، باید که صدام به بغداد و بوش به ینگه دنیا برگردند. این موضع انحصاری شورا نبود و همه نیروهای اپوزیسیون که احساس مسئولیت می‌کردند، موضع مشابهی داشتند.

این اصل ماجرا است. و اما بشنوید از حکایت ما و کیهان هوائی. این جریده شریفه، گویا وظیفه دارد وقت و بی‌وقت به پروپای ما بپیچد و مثل هر نهاد مواجب بگیر دیگری، مجبور است برای انجام وظیفه دنبال سوژه بگردد. اگر سوژه را یافت که چه بهتر و اگر سوژه مناسب یافت نشد، ناچار است دست به "سوژه سازی" بزند.

در ماجرای خلیج هم، کیهان هوائی با آن همه نگرانی که نسبت به جنگ و دعوای محتشمی و رفسنجانی داشت، ما را فراموش نکرد و برای آنکه سوژه بسازد، انبوه اعلامیه‌ها و مقالات ما را ندیده گرفت و نامه یکی از اعضای سازمان ما را بهانه کرد تا مثلا به خلق‌الله بگوید که: ببینید یکی دیگر از خوابهای حضرت امام هم تعبیر شده و بالاخره فدائیان ماهیت آمریکایی خودشان را رو کردند.

دبیرخانه شورای ما بعد از آنکه بازی خنده دار کیهان هوائی را دید. نامه‌ای برای آقایان روانه و تلاش کرد تا با دادن اسم و آدرس اعلامیه‌ها و مقالات، به برادران کیهان نویس تفهیم کند که دست از شوخی‌های سبک بردارند.

انتظار می‌رفت کیهان هوائی بعد از دریافت این نامه، در مقام پوزش‌خواهی از خوانندگان خود برآید. اما چنین انتظاری ناشی از سادگی ما بود. کیهان برای آنکه آب پاکی را روی دست همه بریزد، اینبار تیتر زد که "فدائیان اکثریت در تلاش برای تصحیح مواضع"!!

معلم بچه‌ها را برای گردش به خیابان برد. بچه‌ای که محو تماشای زرق و برق ویترینها شده بود از قافله جاماند. پلیس از بچه علت سرگردانیش را پرسید و بچه جواب داد: معلم و هم‌کلاسی‌ها گم شده‌اند!

کیهان هوائی ما که از قضا به قدو قواره‌اش هم می‌آید، در خانواده مطبوعات حکومتی، نقش همان بچه را دارد. اگر هزار بار هم گم شود، باز چشم در چشم خلق الله میگوید که بقیه گم شده‌اند.

کیهان نویسان عزیز! شما در اینکار که خم به ابرو نیاوردید و هرچه دل تنگتان می‌خواهد، بگوئید، استادید. اما این یک بار را قبول بفرمائید که: سوراخ دعا گم کرده‌اید.

احمد زمانپور

www.iran-archive.com

برنامه ضربتی گورباچف برای مهار بحران در شوروی

در شوروی، به ویژه در نواحی سیبری، روسیه سفید و گرجستان موج نیرومندی از اعتصابات کارگری برپا گشته است. در روز چهارشنبه هفته گذشته (۱۵ آوریل) در شهر مینسک پایتخت روسیه سفید در حمایت از اعتصاب کارگران ذغال سنگ اعتصاب عمومی برپا شد. اعتصاب کنندگان در تظاهرات عظیمی که برپا کردند خواهان برکناری گورباچف شدند.

در همه جا مذاکرات دولت مرکزی و یا دولت جمهوری ها با اعتصاب کنندگان با شکست مواجه شده است. خواست اصلی کارگران اعتصاب کننده افزایش دستمزدهایشان است. نیروهای طرفدار یلتسین رئیس جمهور روسیه بر شدت اختلافات می‌افزایند و امیدوارند از این طریق بتوانند زمینه سرنگونی گورباچف را فراهم کنند. گورباچف برای مهار بحرانی که اعتصابات کارگری یکی از نمودهای آن است، یک طرح ضربتی آماده کرده که ممنوعیت اعتصاب یکی از مواد آن است.

این طرح در هفته جاری در پارلمان شوروی به بحث گذاشته خواهد شد. مواد اصلی این طرح از این قرارند:

- ثبات بخشیدن به اوضاع از طریق منع اعتصابات تا پایان سال ۱۹۹۱.
- تعیین قیمت ها بر مبنای قانون بازار تا اول اکتبر ۱۹۹۲ و انطباق دادن دستمزدها با رشد قیمت ها.
- تداوم سیاست خصوصی کردن بنگاههای دولتی ای که ضرر می‌دهند.
- پایان دادن به حالت انحصار تجارت و توزیع در دست دولت.
- قابل رقابت کردن روبل با ارزهای خارجی. اعمال تمهیدهای ضد تورم و کاهش واردات تا پایان سال ۱۹۹۱ به میزان ۱۵ درصد.
- جذب سرمایه های خارجی.
- سیاست صرفه‌جویی در بودجه دولتی و متوقف کردن سرمایه‌گذاری های دولتی.
- معلق کردن آن دسته از قوانین و تصمیمهای جمهوری ها و مقامات محلی که با سیاست مرکزی همخوان نیستند. جمهوری هایی که مخالفت ورزی کنند از دریافت کمک مالی از دولت مرکزی محروم خواهند شد.
- اعمال کنترل دقیق دولتی بر روی تولید و توزیع مواد مصرفی مردم.
- سازماندهی برای جمع‌آوری محصولات کشاورزی و تخصیص تعداد بیشتری کارگر و سرباز برای این منظور.
- کمک به بالا رفتن تعداد و حد مشارکت تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان خصوصی مواد غذایی.
- کاهش بودجه نظامی و استفاده از تاسیسات نظامی برای امور اقتصادی.

طرح امریکا برای کنفرانس منطقه‌ای

بقیه از صفحه اول

ریاست آمریکا برگزار خواهد شد، شوروی، اسرائیل و کشورهای عرب شرکت خواهند کرد. به گزارش مطبوعات غرب، اسرائیل مایل است شرکت ایالات متحده و شوروی در کنفرانس به مراسم افتتاح آن محدود شود، و بدنبال آن، اسرائیل در چارچوب این کنفرانس به مذاکرات جداگانه دوجانبه با هر هیات عرب بپردازد.

وزیر خارجه آمریکا علیرغم انتشار گزارشهایی درباره توافق ایالات متحده و اسرائیل، افکار عمومی را از خوشبینی بیش از حد برحذر داشت. وی اظهار داشت: ''من تائید می‌کنم که ما ملاقات پربار و بسیار سازنده‌ای داشتیم، و وقتی می‌گویم که هنوز باید راهی طولانی را طی کنیم، به هیچوجه از اهمیت این امر نکاسته‌ام.'' بیکر افزود طرفهای زیادی در این اقدام سهم دارند و مسائل زیادی وجود دارد که باید بدان پرداخت و هنوز حل نشده است.

وزیر خارجه اسرائیل طی یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک با بیکر خاطرنشان کرد: ''ایالات متحده این امر را امکان پذیر می‌داند که یک اجلاس کشورهای عرب و اسرائیل جهت انجام مذاکرات صلح فراخوانده شود. چنین نشستی تحت نظارت عالیه آمریکا برگزار خواهد شد. ایالات متحده معتقد است اگر اتحاد شوروی با نحوه برگزاری، دستور کار و هدف نشست اعلام موافقت کند، باید این کشور را نیز در آن شرکت داد. اگر چنین شود، اسرائیل شرکت شوروی را خواهد پذیرفت.'' له‌وی افزود که به‌اتفاق وزیر خارجه آمریکا برنامه عمل مشترکی تدوین کرده است، و اظهار امیدواری کرد که کشورهای عرب با برگزاری یک کنفرانس افتتاحیه مشترک و سپس مذاکرات مستقیم با اسرائیل موافقت کنند. وزیر خارجه اسرائیل گفت کشورش با پافشاری بر مذاکرات دوجانبه با کشورهای عرب می خواهد از طرح اختلافات در نشست وسیع و تبدیل اجلاس به جلسه ''محاکمه'' اسرائیل جلوگیری کند و همچنین نگذارد که واشنگتن یا مسکو یک راه‌حل صلح را به این کشور تحمیل کند.

به گزارش رادیو اسرائیل، دولت این کشور پذیرفته است که قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنای روند صلح در اختلاف اعراب و اسرائیل قرار گیرد. در این قطعنامه‌ها اسرائیل به عقب نشینی از سرزمینهای اشغال شده عربی فراخوانده شده است. در عین حال، گزارش رادیو اسرائیل می‌افزاید که شامیر نخست وزیر این کشور در گفتگو با وزیر خارجه آمریکا تاکید کرده است دو قطعنامه یاد شده الزاما نباید به‌الگویی برای حل نهایی مسئله تبدیل شود. همزمان با ادامه سفر بیکر که از اسرائیل به کشورهای عرب همسایه آن رفت، دولت اسرائیل گزارشهایی را منتشر کرد که طبق آن این کشور همچنان بر ادامه اشغال کرانه غربی رود اردن پافشاری می‌کند. درست متعاقب با اقامت بیکر در اسرائیل، آریل شارون وزیر مسکن اسرائیل اعلام کرد که درصدد است ۳۰ هزار واحد مسکونی دیگر برای یهودیان در غرب رود اردن بسازد.

وزرای خارجه آمریکا و اسرائیل درباره مسئله مشارکت فلسطینی ها در کنفرانس منطقه‌ای نیز گفتگو کردند. له‌وی تنها به‌این گفته اکتفا کرد که اسرائیل آماده است به موازات کنفرانس منطقه‌ای، در چارچوب ''طرح صلح'' ۱۹۸۹ شامیر به مسئله فلسطینی ها بپردازد.

در روز سه‌شنبه ۲۰ فروردین بیکر در اقامتگاه سرکنسول آمریکا در بیت‌المقدس با یک هیات فلسطینی دیدار کرد. شش رهبر فلسطینی عضو این هیات که با موافقت سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) جهت این دیدار تعیین شده بودند، برای کسب اطلاع پیرامون اهداف واقعی اسرائیل به دیدار بیکر رفتند. این هیات فلسطینی پس از ملاقات با بیکر در مورد برگزاری کنفرانس منطقه‌ای اظهار بدبینی کرد. به عقیده اعضای این هیات، چنین کنفرانسی تنها به سود کشورهای عربی خواهد بود و مسئله فلسطینی ها را حل نشده باقی خواهد گذاشت. این سیاستمداران فلسطینی گفتند که برگزاری یک کنفرانس بین المللی را ترجیح می‌دهند.

دولت اسرائیل در آستانه ورود بیکر به این کشور اعلام کرد بیش از هزار زندانی فلسطینی را در اواخر فروردین آزاد خواهد کرد.

به گزارش رادیو اسرائیل، عربستان سعودی در رابطه با اقدامات جدید آمریکا در خاورمیانه به رسمیت شناختن اسرائیل را بررسی می‌کند. این گزارش به نقل از منابعی در وزارت خارجه مصر می‌افزاید شاهزاده سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان می‌خواهد طی دیدار خود از مصر پیرامون این امر با حسنی مبارک رئیس جمهوری این کشور گفتگو کند. دیدار وزیر خارجه سعودی از مصر هفته گذشته انجام شد. همزمان با این دیدار، بیکر نیز سفری به قاهره داشت و با وزرای خارجه مصر و عربستان ملاقات کرد. پس از این ملاقات اعلام شد مصر و عربستان سعودی با طرح آمریکا برای برگزاری یک کنفرانس منطقه‌ای موافقت کرده‌اند.

تا هنگام تنظیم این گزارش، موضع سوریه در قبال طرح آمریکا روشن نشده بود. روزنامه البعث ارگان حزب حاکم این کشور در آستانه سفر بیکر به دمشق نوشت هر راه‌حلی که بر مبنایی به غیر از قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت تحقق پذیرد، محکوم به شکست است. دولت سوریه قبل از سفر بیکر پس دادن سرزمین های اشغالی توسط اسرائیل را شرط اجتناب ناپذیر برقراری صلح در منطقه دانست.

به گزارش رادیوی ارتش اسرائیل، این کشور با آمریکا توافق کرده است که به ساف اجازه شرکت در کنفرانس منطقه‌ای برای حل مسئله خاورمیانه داده نشود.

فیصل حسینی رئیس هیات فلسطینی که در بیت‌المقدس با بیکر دیدار کرد از نتایج این ملاقات اظهار عدم رضایت کرد. حسینی گفت اختلاف اساسی در اینجاست که فلسطینی ها هدف را تشکیل یک دولت فلسطینی می‌دانند درحالی که آمریکا از چیزی سخن می‌گوید که ''بیش از خودمختاری و کمتر از دولت مستقل'' است.

ساف چهارشنبه هفته گذشته اعلام کرد طرح یک کنفرانس منطقه‌ای با هدف کنار گذاشتن این سازمان به‌مثابه تنها نماینده قانونی خلق فلسطین ونیز مصوبات سازمان ملل تهیه شده است. یکی از رهبران ساف خواهان برگزاری یک کنفرانس بین المللی شد و گفت برگزاری کنفرانس منطقه‌ای ''احمقانه‌ترین فکر'' است زیرا در این کنفرانس امریکا و اسرائیل با طرف های ذی‌ربط مذاکره نخواهند کرد. وی افزود: ''عربستان سعودی و ابوظبی چه ربطی به مسئله فلسطین دارند؟'' یاسر عرفات رهبر ساف روز سه‌شنبه طی پیامی به فلسطینی های ساکن مناطق اشغالی نسبت به دیپلماسی آمریکا در منطقه اظهار بی‌اعتمادی کرد.

نیویورک تایمز:

رفسنجانی می خواهد ایران را دوباره به یک ''قدرت مسئول'' تبدیل کند

هفته گذشته روزنامه نیویورک تایمز مقاله‌ای در باره اوضاع فعلی ایران چاپ کرد که بازتاب نگرش غرب به تحولات جاری در کشور ماست. نظر به اهمیت این مقاله، بخشهایی از آن را چاپ میکنیم.

* * *

به نظر می‌رسد انقلابی که جامعه باز و متمایل به غرب ایران را به یک جمهوری اسلامی ستیزه جو تبدیل کرد، رو به افول نهاده است.

پس از ۱۲ سال حکومت روحانیون رادیکال مسلمان، یک جنگ هشت ساله آغاز شده از سوی عراق، سرکوب خشن اقلیت های مذهبی و مخالفان در داخل و یک دهه نابسامانی و ندانم کاری اقتصادی، جنبه‌های سرکوبگر انقلاب کاهش می‌یابد و ظاهرا توجه کمتری به ایدئولوژی میشود.

با این حال، وحشت و سوءظن به بیگانگان و خودی ها، کماکان حاکم است. اما حامیان هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور می‌گویند او مصمم است به انزوای کشور خاتمه داده، ایران را دوباره به یک قدرت مسئول تبدیل کند.

تلاش‌های آقای رفسنجانی در جامعه ایران تنش‌هایی ایجاد کرده است زیرا طرفداران انقلاب مقاومت می‌کنند.

مقامات ایرانی در توضیح اوضاع برای خارجی ها انکار می‌کنند که انقلاب، شور خود را از دست داده است. علی اصغر فرامرزیان، مدیر کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی می‌گوید: ''علاقه به انقلاب کماکان موجود است، به ویژه در میان جوانان، اما به گونه‌ای منطقی‌تر.''

اما شهروندان ایرانی، مقامات، دیپلمات ها و بازرگانان خارجی می‌گویند تغییرات مهمی صورت گرفته است.

آنها به‌عنوان نمونه از گشایش ایران به سوی غرب در سیاست خارجی، تلاش آن برای با صرفه کردن و خصوصی کردن شاخه‌های کلیدی اقتصاد و کاستن از سرکوب سیاسی به‌عنوان شاخص‌های یک تلاش بسیار محتاطانه اما مصمم از سوی آقای رفسنجانی جهت میدان دادن به پراگماتیسم و منافع ملی برای غلبه بر ایدئولوژی مذهبی در این ملت ۵۵ میلیونی، نام می‌برند.

یک دیپلمات می‌گوید: ''این انقلاب به طور نهایی سپری شد. مرگ انقلاب، یک ماه پیش بود، زمانی که عراق اماکن مقدس در نجف و کربلا را بمباران کرد بدون اینکه ایران پاسخی بدهد. مرگ آن زمانی بود که عراق کشتار شیعیان را آغاز کرد و حتی یک راهپیمایی اعتراضی در این جامعه اکثرا شیعه صورت نگرفت، و تنها صدای خفیف و با تاخیری از رهبران آن شنیده شد. مرگ آن زمانی بود که این کشور تصمیم گرفت به صدور انقلاب اسلامی خود پایان داده و توجهش را به هرج و مرج درون خود معطوف کند.

...رادیکال های مذهبی قدرت را از دست داده‌اند اما کماکان حق وتو از طریق توانایی قابل توجهشان در آوردن تندروها به خیابان و اکثریت قاطع در میان ۲۷۰ نماینده پارلمان را حفظ کرده‌اند.

به‌عنوان نمونه دو ماه پیش، پارلمان ایرج فاضل وزیر بهداشت آقای رفسنجانی را به خاطر برکناری تندروها در دانشگاه تهران مورد استیضاح قرار داد.

این استیضاح، رئیس جمهور را وادار کرد که آقای فاضل را از سمت خود برکنار کند، اما او به جای فاضل فردی را منصوب کرد که خود توسط فاضل دست چین شده بود و گفته می‌شود حتی از حامی خود نیز لیبرال‌تر است. یک هفته بعد، رئیس جمهور آقای فاضل را به عضویت آکادمی علوم منصوب کرد.

با اینکه برخی نشانه‌ای جنگ قدرت باقی است، اغلب تحلیل‌گران می‌گویند آقای رفسنجانی قدرت خود را تحکیم کرده مشغول اجرای تحولات به شدت ضروری است.

یک دیپلمات می‌گوید: ''او یک دهه و حداکثر دو دهه فرصت دارد که ایران را بازسازی و اصلاح کند. اگر چنین نشود ایران علیرغم تمدن قابل توجه، منابع انسانی عظیم و ثروت نفتی خود به یک پاکستان یا مصر تبدیل خواهد شد.''

...تحولات بیش از همه در سیاست دولت بازتاب می‌یابد. آقای رفسنجانی گام‌های بزرگی در پایان دادن به انزوای ایران و به گفته یک دیپلمات، کنار زدن ''دست سنگین سوسیالیسم اسلامی'' که قدرت حیات کشور را ضعیف کرده است، برداشته است:

*او مناسبات با چندین کشور اروپایی را دوباره برقرار کرده، اغلب اختلافات ایران با دیگر کشورها را به‌جز با واشنگتن حل کرده است...

*آقای رفسنجانی روابط دیپلماتیک با چند عضو ائتلاف اعراب در جنگ خلیج به رهبری آمریکا را برقرار کرده یا در حال برقرای آن است...

*بانک جهانی اخیرا یک وام ۲۰۰ میلیون دلاری به ایران موافقت کرد. این نخستین وام خارجی ایران پس از انقلاب است و قرار است به تهران در بازسازی مناطقی که طی یک زلزله در سال گذشته ویران شد کمک کند.

*...ایران فشار خود بر حزب الله لبنان برای آزادی گروگان های غربی را افزایش داده است...

*تیم اقتصادی آقای رفسنجانی به گفته سید محمد حسین عادلی رئیس بانک مرکزی ایران هدف ''خصوصی کردن، لیبرالیزه کردن و با صرفه کردن'' اقتصاد را دنبال می‌کند...

توضیح

متاسفانه در شماره گذشته کار یکی از ارقام شماره حساب بانکی نشریه اشتباه به چاپ رسیده است. در شماره اخیر، تصحیح شده آن درج شده است.

برای اشتراک نشریه ''کار'' در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمبر پستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمائید.

		اروپا	دیگر نقاط
بهای اشتراک نشریه ''کار''	○ سه ماهه	۳۲ مارک	۳۹ مارک
	○ شش ماهه	۶۲ مارک	۷۶ مارک
	○ یک ساله	۱۲۰ مارک	۱۵۰ مارک

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید):

KAR
Vol.3 No.2
Wed. 17April 1991

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
GERMANY

حساب بانکی:
M.ABD
NR-35263011
کد بانک:
37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY

www.iran-archive.com